

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۹ آبان ماه ۱۳۲۲

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - شور در لایحه مالیات بر درآمد از ماده ۱۶ و تصویب کلیه لایحه
- ۳ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس یکساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس روز سه شنبه ۱۷ آبان ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (خیر) صورت مجلس تصویب شد.

۲ - شور در لایحه مالیات بر درآمد از ماده ۱۶

رئیس - لایحه مالیات بر درآمد مطرح است. ماده شانزدهم.

ماده ۱۶ - جرائمی که بموجب این قانون بمودیان

تعلق میگیرد بترتیب زیر خواهد بود :

الف - هر شخصیکه طبق ماده ۱۴ مکلف بدادن اظهارنامه باشد و تا موعد مقرر در آئین نامه آنرا تنظیم و تسلیم ننماید برای هر ماه تأخیر یا کسر ماه باید مبلغ پنجاه ریال جریمه بپردازد و اگر ثابت شود شخصی که باید اظهارنامه بدهد مشمول معافیت های ماده دوم نبوده و ضمناً باو مالیاتی تعلق نمیگیرد این جریمه از یکصد ریال نسبت باو تجاوز نخواهد

عین مذاکرات مشروح دویست و شانزدهمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

- غائبین با اجازه - آقایان : منصف - فاطمی - فروهر - دولتشاهی .
- غائبین بی اجازه - آقایان : رضوی - دکتر سمعی - اقبال - افخمی - نوبخت - شهدوست - اوحدی - مؤید ثابتی - نواب یزدی - ورنیک - دکتر تاج بخش - مشار - مکرم افشار - شجاع - اکبر - امیر ابراهیمی - عطاء الله پالیزی - حمزه تاش - دکتر سنگک - رفیعی - معتمد سنگک - اصفهانی - هاشمی - نقه الاسلامی - سلطانی - صادق وزیری - افشار - مستشار - دکتر نهورای - امامی - ناهید - نقابت - کامل ماگو - نصرتیان - هراز .

نمود ولی در صورتیکه ثابت شود مشمول پرداخت مالیات میباشد حد اکثر این جریمه از ۵۰۰ ریال یا ۵ درصد میزان مالیات بدهی او هر کدام که کمتر است تجاوز نخواهد کرد .
ب - هر قسط مالیاتی که در سر رسید معینه پرداخت نگردد جریمه تأخیر برابر يك در صد مبلغ پرداخته نشده در هر ماه یا کسر ماه تا موقع پرداخت بآن تعلق میگیرد و اگر مؤدی بدهی خود را در مدت ششماه پردازد کلیه مبالغ مالیاتی بدهی برای آن سال باید در ظرف ده روز تأدیه گردد و اگر پس از ده روز بازهم پرداخت نشود نسبت بکل مبلغ بدهی جریمه دیر کردی از قرار يك در صد علاوه بر يك در صد جریمه مذکور برای هر ماه یا کسر ماه از آن مؤدی وصول خواهد شد .

ج - در صورتیکه بموجب اطلاعات و مدارکی که غیر وارد بودن آن از طرف مودی ثابت نشود معلوم گردد مودی مالیاتی اظهارنامه جعلی و خلاف حقیقت تسلیم نموده و یا اطلاعات خلاف واقع بمنظور از بین بردن حق دولت یا فرار از پرداخت تمام یا قسمتی از مالیات مقرر در این قانون بوزارت دارائی داده باشد جریمه ای معادل يك برابر بدهی مالیاتی سال مربوط باو تعلق گرفته در دادگاه صالحه تعقیب خواهد شد .
د - جریمه دیر کرد و جرایم مذکور در این ماده بهیچوجه بخشوده و پس داده نخواهد شد .

معدل - (مخبر) اجازه میفرمائید يك اصلاحاتی روی تمایلات و نظریات آقایان که اظهار فرمودند در این ماده بعمل آمده تقاضا میکنم که اصلاح فرمائید در قسمت ج در صورتیکه بموجب اطلاعات و مدارکی از این که غیر وارد بودن آن از طرف مودی ثابت نشود این جمله حذف شود و دیگر کلمه (جملی و) در همان سطر او را هم حذف فرمائید بعد در صفحه ۱۱ سطر دوم معادل يك را دو برابر مرقوم فرمائید و آنوقت در دادگاه صالحه تعقیب میشود این را هم حذف کنید قسمت (د) را هم اصلاً حذف فرمائید با این ترتیب بنده خیال میکنم همه اجازه هائی که آقایان گرفته اند مسترد فرمایند .

امیر تیمور - این دو برابر را توضیح بفرمائید
معدل - چون آقای امیر تیمور میفرمایند چرا دو برابر شده است چون آن قسمت يك برابر تمام مالیات بود و حالا دو برابر مورد اختلاف است فرض فرمائید يك کسی مالیات او دوهزار تومان بود اگر صد تومان اختلاف بود حالا این صد تومان را دو برابر کرده اند نه اصل مالیات را که دوهزار تومان است که حالا دو بیست تومان جریمه اش میکنند و یکی این بود که علاقه آقایان این بود که موضوع جزائی از بین برود البته آنوقت باید جریمه اش اینطور باشد که يك نرسی هم از برای او باشد که خلاف قانون نکند

رئیس - آقای انوار

انوار - بنده حقیقه از آقای مخبر و آقای وزیر دارائی شکر گذاری میکنم که اصلاحات این ماده را موافقت کردند و اگر اجازه فرمائید يك اصلاح جزئی دیگر هم هست که به آقای وزیر دارائی هم عرض کردم و حالا بشما هم عرض کنم و آن این است که در جریمه قرار داده اید که اگر یکماه تأخیر کرد جریمه تعلق میگیرد کسر ماه را دیگر چرا گذاشته اید یعنی اگر پنج روز یا ده روز هم تأخیر کرده اند جریمه را باز خواهند گرفت بنده عقیده ام این است همانطور که موافقت کردید و این ماده روشن شد دیگر این کسر ماه را هم بمنزله یکماه حساب نکنید و دیگر جریمه باین کسر ماه تعلق نگیرد .

وزیر دارائی - بسیار خوب موافقت میکنیم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - يك موضوعی است در قسمت الف آقای مخبر توجه فرمائید میگوید هر شخصی که مطابق ماده ۱۴ باید اظهارنامه بدهد و ندهد پنجاه ریال باید بدهد و قسمت دوم این است : و اگر ثابت شود شخصی که باید اظهارنامه بدهد مشمول معافیه های ماده دوم نبوده و ضمناً باو مالیاتی تعلق نمیگیرد این جریمه از یکصد ریال تجاوز نخواهد کرد اگر کسی باشد که مشمول معافیه ها است و مالیات بده نیست اصلاً مشمول ماده ۱۴ نیست که اظهارنامه بدهد اینجا

نوشته است و ضمناً باو مالیاتی تعلق نمیگیرد مقصود این است که بایستی توضیح داده شود که چرا این جریمه بهش تعلق میگیرد در صورتیکه مشمول ماده ۱۴ نیست .

معدل - عرض می کنم بنده فقط نگرانیم از این است که چرا آقای دکتر طاهری که همیشه تأمل زیادی در مطالب دارند این اظهار را میفرمایند برای مباحثه در این موضوع بنظر بنده باید ماده ۲ و ماده ۱۴ را خواند و آنوقت بحث کرد در ماده دوم يك اشخاصی يك معافیتها و بخشودگیهائی نصیبشان میشود اینها حساب میکنند مثلاً يك نفری است عیال دارد طفل دارد حساب میکنند می بیند که چیزی نباید بدوات بدهد و نباید اظهارنامه بدهد مینویسد که باید اظهارنامه را بدهد منتها مینویسد که آنقدر در آمد دارم و بموجب این بخشودگیها نباید مالیات بدهم باین جهت لازم است که اظهارنامه را بدهد

دکتر طاهری - اولاً ماده ۱۴ را ملاحظه فرمائید میگوید بجز در موردی که در زیر پیش بینی شده هر مؤدی مالیاتی که طبق ماده اول این قانون مشمول این قانون بوده و جزو مستثنیات ماده دوم نمیشد باید اظهارنامه بدهد وقتی که جزء مستثنیات هست و معاف است دیگر نباید اظهارنامه بدهد و مکلف باظهارنامه دادن نیست این در ماده ۱۴ است که خواندم اگر کسی مشمول مالیات باشد و مورد مستثنیات هم نباشد باید اظهارنامه بدهد و الا اگر نباشد تمام مردم بخوانند اظهارنامه بدهند این موضوع ندارد .

معدل - بنده بطور کلی خاطر آقا را مستحضر میکنم کسانی در مملکت ایران پس از اجرای این قانون بایستی اظهارنامه بدهند که در آمد آنها از هزار و دو بیست تومان کمتر باشد هر کس از هزار و دو بیست تومان در آمدش بالاتر باشد مشمول هر کدام از مستثنیات و بخشودگیها معافیتها باشد باید اظهارنامه مستقیم یا غیر مستقیم بدهند یا خودش بدهد یا بوسیله دیگری بدهد

رئیس - آقای یمین اسفندیاری

یمین اسفندیاری - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای انوار

انوار - بنده عرضی که داشتم راجع به قسمت (ج) ماده بود که اصلاح شد فقط يك کلمه را میخواستم آقای مخبر توجه کنند بجای کلمه معلوم گردد ثابت شود بکنند بهیچجا هم بر نمیخورند در صورتیکه بموجب اطلاعات و مدارکی ثابت شود بهتر است .

معدل - موافقت میشود

رئیس - آقای تهرانچی

تهرانچی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - این مطلبی که آقای مخبر فرمودند بنظر بنده اشکالی تولید کردند و بایستی روشن شود آقا نظرشان این بود که اشخاصی که هزار و دو بیست تومان در آمد دارند فرض کنید دو اولاد هم دارند همانطور که اول وزیر دارائی فرمودند در حدود دوهزار تومان و دوهزار و دو بیست تومان در آمد دارد او دیگر باید معاف باشد دیگر اظهارنامه لازم نباشد بدهد زیرا که آن ده نشین و خرده مالکین که توی دهات نشسته اند و هیچ آشنائی با این نظامنامه ها و قوانین و این حرفها ندارد حالا فلان شهری میتواند اظهارنامه اش را پر کند اما این طور اشخاص لزومی ندارد که اظهارنامه بدهند و هیچ لزومی هم ندارد برای اینست که معاف است و این تصریح دارد بنده عقیده ام این است که این را بکفایتی روشن کنید که تولید اشکال نشود يك کسی که مطابق این قانون مشمول پرداخت نیست چرا مکلف باشد اینها باید معاف باشند **وزیر پرست و تلگراف** - علت این است که اظهارنامه بدهد که ثابت شود که این معافیت را مشمول است یا خیر برای اینکه ادارات مالیاتی که خبر ندارند که شما چندتا اولاد دارید و بچه جهاتی شما مشمول این معافی هستید برای اینکه تشخیص شود که شما مشمول نیستید باید در اظهارنامه توضیح بدهید که در آمد من از هزار و دو بیست تومان تجاوز کرده

ولی بموجب این مواد مشمول این معافیتها هستیم و از دادن مالیات معاف هستیم
رئیس - آقای فریدونی .

فریدونی - بنده میخواستم عرض کنم که آیا تمام مردم باید اظهارنامه بدهند یا آن کسانی که مشمول مالیات هستند آنها باید بدهند و با این ترتیبی که آقای فرمودند تمام آن کسانی که معاف هستند باید اظهارنامه بدهند چون در ماده ۱۴ برای اظهارنامه جریمه اش را هم معین کرده فرض بفرمائید کارمندان دولت از اول فروردین ۱۳۲۳ از دادن مالیات معاف هستند و باید اظهارنامه درخرداد بدهند بنا بر این ما خدمت مالیات اوسال ۱۳۲۲ است که باید اظهارنامه بدهد حالا منافع دیگری هم در سال ۱۳۲۲ پیدا کرده است فلانقدر حقوق گرفته پنجهزار تومان هم منافع دیگر دارد نسبت بحقوقی که گرفته معاف است نسبت باین پنجهزار تومان منافع چه میشود میخواستم در این موضوع یک توضیحی بفرمائید .

وزیر دارائی - اولاً مطلبی را که آقای ملک پیمان فرمودند راجع بر عایا عرض میکنم تمام رعایا معاف هستند و اظهارنامه نباید بدهند و راجع بخرده مالکین البته این از قسمت رعایا خارج میشود همانطور که اظهار شد اداره مالیه ممکن است متوجه شود که فلان کس دوهزار تومان عایدش است این شخص اگر نیاید و اظهار نکند که من بموجب این این قانون معاف هستم دولت هم که نمیتواند بدست بیاورد که معافیت این شخص چه دلیل دارد بنابراین همانطور که در ماده است تا هزار و دوست تومان هر کس میخواهد باشد ولی از هزار و دوست تومان که تجاوز کرد باید اظهارنامه بدهد فرمایشی که آقای فریدونی راجع بمستخدمین فرمودند و حقوقی که امسال میگیرند چون از حقوق امسال بموجب یک قانونی مالیات میدهند و از اول ۱۳۲۳ هم مالیات حقوق بر داشته میشود و چنانچه عوائد دیگری داشته باشد در اظهارنامه هائی که در سال ۱۳۲۳ میدهند اگر یک عوائد دیگری دارند آن عوائد خودشان را صورت میدهند

و مطابق قانون جدید باید مالیات بدهند و البته حقوق از اول ۲۳ از پرداخت مالیات معاف میباشد
رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - عرض میکنم این مطلب چون صحبت شد بنده میخواستم اسباب زحمت نشود آقایان هم که فرمودند البته تمام مردم مکلف نیستند بدادن اظهارنامه که پانزده میلیون اظهارنامه داده شود فقط کسانی باید اظهارنامه بدهند که مشمول این قانون هستند مشمولین این قانون دو طبقه هستند یک طبقه اشخاصی هستند که مشمول این قانون هستند و باید مالیات بدهند که اظهارنامه میدهند یک اشخاصی هستند که مالیات باید بدهند ولی بموجب قانون مشمول معافیت هائی هستند اینها از لحاظ اینکه مالیه را باید متوجه کنند که من مشمول هستم ولی مشمول این معافیت ها هستم باید اظهارنامه بدهند و اگر ندهند جریمه میشوند بنابراین بنده خواستم بطور صراحت عرض کنم که همه مردم مکلف نیستند که اظهارنامه بدهند

پیشنهاد آقای لاریجانی

قسمت اول ب ماده ۱۶ بشرح زیر اصلاح آنرا پیشنهاد می نمایم .

(ب) - هر قسط مالیاتی طبق اظهارنامه تنظیم شده از طرف مؤدی که در سر رسید معینه پرداخت نگردد الی آخر

لاریجانی - عرض میکنم این قسط مالیاتی که معین شده از طرف دولت معین میشود یا اینکه از طرف مؤدی معین میشود این را توضیح بفرمائید

رئیس - یک پیشنهاد دیگری هم از شما هست خوانده شود ؟

لاریجانی - آن قسمت چون نظرم تأمین شده مسترد میدارم ولی قسمت ب را استدعا دارم قبول فرمایند .

معدل - منظور آقایان این است که جریمه تأخیر پرداخت تعلق نگیرد نه اختلاف یعنی شاید بین اظهارنامه و آنچه مالیات معلوم میشود اختلاف شد که فردا نگویند این جریمه تأخیر پرداخت به مابه التفاوت هم تعلق میگیرد

در این قسمت منظور جنابعالی در آئین نامه تأمین می شود ولی در خود قانون باین صراحت که لازم دارید نمی شود در آئین نامه مفصل و مشروح نوشته میشود .

لاریجانی - بنده قانع شدم .
پیشنهاد آقای منشور .

پیشنهاد می شود مالیات پرداخت شده سال قبل در سال بعد جزو هزینه کسر خواهد شد .
پیشنهاد آقای امیر تیمور .

پیشنهاد میکنم در قسمت الف ماده ۱۶ جمله (و اگر ثابت شود شخصی که باید اظهارنامه بدهد مشمول مالیات های ماده دوم نبوده و ضمناً باو مالیاتی تعلق نمیگیرد این جریمه از یکصد ریال تجاوز نخواهد نمود حذف شود) .

امیر تیمور - این موضوع همانطور که آقای دکتر طاهری و آقای ملک بیان کردند روشن شده و اگر این ماده همینطور بگذرد مأمورین مالیه حق دارند تمام افراد این مملکت را مشمول جریمه قرار بدهند و بگویند که چون اظهارنامه نداده ای این جریمه بتو تعلق میگیرد چون همانطور که آقای طباطبائی فرمودند و روشن شد کسی باید اظهارنامه بدهد که مشمول مالیات است و آقای نجیر هم در توضیحی که در جواب آقای دکتر طاهری و ملک مدنی فرمودند معلوم نشد و اگر ماده همینطور بگذرد آن وقت بخواهند از پانزده میلیون افراد این مملکت جریمه بگیرند این اسباب زحمت و یک بیچارگی و بدبختی از برای مردم ایجاد می شود خواهش میکنم آقایان هم موافقت بفرمایند این جمله از ماده حذف شود .

معدل - جمله اگر حذف شود به اصل قانون صدمه وارد می شود ولی منظور آقایان تأمین است ملاحظه بفرمائید که یک وقتی در این قانون نوشته میشود بحضرت عباس از آن کسی که عایدش از هزار و دوست تومان کمتر است نباید از شان گرفت در این قانون صراحت دارد تمام افراد ملت ایران مکلف بدادن اظهارنامه نیستند چرا برای این که نوشته است هر کس از هزار و دوست تومان عایداتش

کمتر است مشمول نیست اصلاً خود این مذاکرات آقایان مضر این قانون است .

امیر تیمور - برای مأمور کافی نیست .

معدل - مأمور اگر بد باشد مسؤلش این قانون نیست بنظر بنده این مطلبی را که بنده باین وضوح و

صراحت عرض میکنم رفع نگرانی جنابعالی و امثال جناب عالی را میکند که رعایا اصلاً مالیاتی به شان تعلق نمیگیرد که اظهارنامه بدهند اشخاصی که عایداتشان از هزار و

دو است تومان کمتر است که اصلاً مالیاتی به شان تعلق نمیگیرد که اظهارنامه بدهند و آن اشخاصی که عایداتشان از هزار و دوست تومان بیشتر است اینها دو نوع هستند یکی اشخاصی هستند که هر قدر هم بخشودگی داشته باشند

باز باید مالیات بدهند یکی اشخاصی هستند که بخشودگیشان بقدری است که از دادن مالیات معاف هستند و اینها هر دو باید اظهارنامه بدهند که من باین دلیل شامل این مواد معافی هستم و نباید مالیات بدهم و البته هر کس در هر مملکت که بخواهد زندگی بکند باید تابع قوانین و مقررات آن مملکت باشد و مردی که تابع قوانین و مقررات این مملکت است باید این زحمت را بخودش بدهد و اظهارنامه را بدهد .

وزیر بهداشت - بنده برای توضیح فرمایشات آقایان مثل گذشته را می آورم دوهزار و چهار صد ریال تا اکنون معاف بوده است اگر کسی تا بحال دوهزار و چهار صد ریال در آمد داشته است اظهارنامه نمیداده است بهمین دلیل بعد هم نخواهد داد این چیز واضحی است استلاً عمل مالیه هم همین بوده است .

رئیس - آقای امیر تیمور .

امیر تیمور - بنده برای استحضار آقای اردلان عرض میکنم میفرمایند آن کسی که از دوهزار و چهار صد ریال کمتر داشته است مشمول جریمه نبوده است ولی حالا شما یکی ده تومان جریمه می کنید این مأمورین مالیه بین حکم قوشچی باشی هستند بهیچوجه قانع نمیشوند که ما نصیحت کنیم که آقای خواهش میکنم این کار را نکنید اصلاً شما

چرا يك تكلیفی میخواهد بيك کسی بکنید که آن تکلیف را انجام ندهد.

اردلان - البته مقرراتی که برای افراد يك مملکتی وضع می شود باید اطاعت کرد و اگر اطاعت نکردند يك مجازاتی میشوند این صریح است وقتی که میگویند دزد را باید دستش را برید پس اگر يك کسی دزدی کرد قانون گفته است فلان کار را نکن اگر کرد متخلف محسوب میشود و برای متخلف هم يك مجازاتی لازم است حالا کم یا زیاد بسته بنظر آقایان است.

امیر تیمور - بنده تصور میکنم آقای اردلان یا اینکه متوجه اصل مطلب نیستند یا اینکه متوجه هستند و می خواهند بی التفاتی بکنند و خلط مبحث کنند آقا جریمه باید کسی بدهد که مشمول مالیات است کسی که مشمول نیست چرا باید جریمه بپردازد؟ این منطق ندارد آقا.

معدل - نظر آقای امیر تیمور و آقایانی که میفرمایند این قسمت صحیح نیست اصلاً این نیست که اشخاصی که بیش از هزار و دویست تومان عایدات دارند و بواسطه تخفیفات و مستثنیاتی که در این قانون هست و بخشودگیهای شاملشان میشود اظهار نامه ندهند بنده قطع دارم که منظورشان این نیست بنا بر این بنده بالصراحه عرض میکنم که این جمله برای این طبقه نوشته شده و اسباب تشویش آقایان نشود و باین ماده رأی بدهند.

امیر تیمور - بنده برای اینکه جمع بین دو نظر باشد اینطور پیشنهاد میکنم بعد از شخص اضافه شود که مشمول مالیات است این را موافقت بفرمایند بنده آن پیشنهاد را پس میگیرم.

معدل - بسیار خوب موافقت میشود.

پیشنهاد آقای بهبهانی بنده پیشنهاد مینمایم در ماده ۱۶ کلیه اشخاصی که بدارا بودن دوازده هزار ریال یا بخشودگیهای دیگر مشمول قانون نیستند از اظهار نامه معاف باشند.

بهبهانی - بنده تصور میکنم اشخاصی که مالیات بده

ما قبول کردیم حضر تعالی مشغول نوشتن پیشنهادتان بودید و متوجه نشدید و الا نظر حضر تعالی با پیشنهاد آقای امیر تیمور کاملاً تأمین شده اصلاحی که شده این است در قسمت الف اگر ثابت شود شخصی که مشمول مالیات است و باید اظهار نامه بدهد و ندهد این جریمه بهش تعلق میگیرد بنا بر این نظر حضر تعالی تأمین است.

بهبهانی - پس میگیرم.

پیشنهاد آقای سزاوار - پیشنهاد میکنم قسمت ج ماده ۱۶ بطریق زیر اصلاح شود.

در صورتیکه بموجب اطلاعات و مدارکی ثابت شود مودی مالیاتی اظهار نامه خود را برخلاف حقیقت تسلیم نموده و با اطلاعات خلاف واقع بمنظور از بین بردن حق دولت یا فرار از پرداخت تمام یا قسمتی از مالیات مقرر در این قانون بوزارت دارائی داده باشد جریمه معادل يك برابر بدهی مالیاتی سال مربوط تعلق خواهد گرفت.

بعضی از نمایندگان - تأمین شده است.

پیشنهاد تهرانچی:

این جانب پیشنهاد میکنم در ماده ۱۶ دو برابر بدهی مالیاتی مورد اختلاف يك برابر نشود.

تهرانچی - بنده استدعا میکنم آقای معدل توجه کنند اینجا در مورد اختلاف دو برابر که نوشته شده بعقیده بنده همان يك برابر خودش هم زیاد است برای اینکه این مثل همان فرع صدی صد میشود هیچ فرعی در دنیا صدی صد شده است؟ این را استدعا میکنم يك برابر موافقت فرمائید این جریمه برای این است که دیگر این کار را نکنند و همان يك برابر کافی است این را موافقت بفرمائید.

معدل - اگر نظر آقای تهرانچی این است که این دو مقابل است اینطوری نیست دو چیز در این جا بود یکی موضوع جزائی این ماده بود که آقایان گفتند این نباشد و از مالی جریمه شوند و حالا که موضوع جزائی خط خورده میفرمائید که مالی را کم بکنید این که میفرمائید نوشته شود مطابق يك برابر مالیات جریمه بکنند قبلاً هم عرض کردم

سابقاً در مورد اختلاف دو برابر مالیات بود و حالا دو برابر مورد اختلاف بکنند مؤدی است اصلاً ما مورد اختلاف را دو برابر کردیم نه اصل مالیات را.

تهرانچی - مسترد میدارم.

پیشنهاد آقای دهستانی:

مأمورین توزیع اظهار نامه مکلف هستند که در موقع تقدیم اظهار نامه بمودی مالیاتی رسید با قید تاریخ دریافت دارند.

معدل - این کار مال آئین نامه است و در آئین نامه نظر جنابعالی تأمین میشود خواهش میکنم مسترد فرمائید.

دهستانی - پس میگیرم.

رئیس - موافقین باماده ۱۶ با اصلاحاتی که شد بر خیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده ۱۷.

ماده ۱۷ - در موقع وصول مالیات جرائم و هزینه وصول مطالبات دولت از درآمد و اموال منقول بدهکاران و یاضامن آنها دولت نسبت بسایر بستانکاران حق تقدم خواهد داشت و این حق پس از انقضای سه سال نسبت به مطالبات هر سنده ساقط میشود.

معدل - آقایان توجه باین نکته داشته باشند که بنده قبل از شروع در هر ماده اصلاحاتی که آقایان در نظر داشته اند مورد موافقت قرار میدهم به این انتظار که آقایان هم تخفیفی در پیشنهادات و مذاکرات خودشان بدهند بنده بوعده خودم وفا میکنم ولی آقایان وفا نمیفرمایند اینجاست در این ماده آن پنج سال را به سه سال تبدیل بفرمائید و از آن طرف خود آقایان هم از دستگاه فعلی دارائی خبر دارید که نمیتواند زودتر از این معلوم کند و زودتر از این معافیت بکسی بدهند.

رئیس - آقای انوار.

انوار - اولاً آقای مخبر فرمودند که آقای دکتر با مطالعه میگویند اثبات شی نفی ماعدی نمیکند و این مختص با آقای دکتر نیست ما هم مطالعه میکنیم موضوع دیگری که آقای مخبر خواستم در اینجا توضیح بدهند موضوع مسئله ادارات

است وقتی که کار می‌رود در ادارات آن شخص که محتاج است مراجعه بکنند يك ترتيبی شما بدهید که زودتر این شخص راحت شود درست است که شما سه سال مرور زمان قائل شده‌اید حالا بعد از سه سال هم شاید مأمور مالیه ننویسد که آقا حساب شما تمام شده چون این گرفتاری‌های را دیده‌ایم و بنده حالا خواستم در اینجا يك قیدی باشد که دیگر آن مرجعی که مرجع رسیدگی است معطل نکند هر جور می‌خواهید اصلاح کنید.

معدل - این جا دیگر بنظر بنده اشکالی ندارد و تعجیل ندارد اصلاً سه سال که گذشت دیگر حساب تصفیه شده و مفصائی نمی‌خواهد و انوما تیکمان حاصل میشود قبل از سه سال مفصلاً لازم است ولی سه سال که گذشت خود مرور زمان مفصلاً است.

پیشنهاد آقای امیر تیمور.

پیشنهاد میکنم جمله هزینه وصول از سطر اول ماده ۱۷ حذف شود.

امیر تیمور - آقای وزیر مالیه تمام میکنم توجه بفرمائید در سطر اول نوشته شده در موقع وصول مالیات و جرائم و هزینه وصول اینجا شما دو حق دارید یکی مالیات است و یکی اگر در موعد نداد جریمه میگیرید از این دو مورد که گذشت دیگر هزینه چیست؟ آنوقت شما خواهید گفت که ماهزیننه وصول هم میخواهیم این دیگر يك سرباری است بنابر این بنده پیشنهاد کردم که کلمه هزینه برداشته شود.

معدل - موافقت میشود هزینه را حذف بفرمائید.

رئیس - پیشنهاد آقای بهبهانی:

پیشنهاد میکنم حق تقدم دولت پس از سه سال ساقط شود

رئیس - آقای بهبهانی:

بهبهانی - بنده دو سه سال پیشنهاد کرده بودم حالا که آقای معدل سه سال را قبول کردند بنده این پیشنهاد را پس میگیرم.

رئیس - موافقت با ماده ۱۷ با اصلاحاتی که شده است برخیزید (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۸:

هم معین است البته در قسمتهای کشاورزی نمیتواند با دفاتر ثبت کند اگر در آن قسمت‌ها يك اختلافاتی باشد ممکن است باز رسیدگیهای محلی رفع اختلاف بشود این قسمت دفاتر مربوط به دفاتر تجارتنی است در قسمت املاک يك اظهار نامه شما میدهند روی درآمد متوسط سه ساله آن که عایدات سه ساله را معلوم میکنید و باز برای آنهام اگر يك اختلافاتی باشد ممکن است اگر يك اشخاصی دفاتر منظم و مرتبی داشته باشند عوائد سه ساله آنها مطابق همان دفاتر معین میشود و اگر این دفاتر و اسناد را ارائه داد و مورد قبول بود این دفاتر بان اختلافات رسیدگی میکنند و از بین می‌رود و آن اشکال رفع میشود اگر واقعاً دفاتر و اسناد مرتبی بود که رسیدگی میکنند و اگر دفاتر منظمی نبود ممیزی میکنند (امیر تیمور - این را تصریح بفرمائید که در عمل دچار اشکال نشود) بلی همینطور است که توضیح داده شد.

معدل - آن کلمه (اطمینان بخش) برداشته شود (اسناد قانع کننده) باشد.

پارسا - صحبت در همان قانع کننده است.

رئیس - آقای انوار.

انوار - آقای وزیر دارائی و آقای معدل در کمیسیون بودند گرچه بنده را امروز تهدید میکنند که چرا صحبت میکنی (معدل - کی شما را تهدید میکنند؟) اولاً من مخالفت نمیکنم توضیح میخواهم و ثانیاً اگر مخالفت هم میکنم کفر نشده است. آقای وزیر دارائی این ماده را در نظر دارند که در کمیسیون در این ماده زیاد صحبت کردیم که اسناد دفاتری را که دولت پلمب کرده است و مدعی العموم آن دفاتر را رسمیت داده است که وقتی محاکمه پیش می‌آید همان اسناد و دفاتر پلمب شده حاکمیت دارد یعنی آن مدرک است باین معنی که همانطور که دولت از برای مطالبات خودش و از برای مطالبات مملکت يك محاضری يك محاکمی معین کرده است و آنها را رسمیت داده است وقتی که رسمیت داده است دیگر نمیشود که نؤمن به بعض و نکفر به بعض بشویم در یکجا نمیشود رسمیت داد و در يك جا آن دفاتر

محل اعتبار است و در یکجا بگوید که این دفاتر اعتبار ندارد دقتی را که دولت پلمب کرده است آیا آن قبول است آقایان یا نه؟ اگر آن تاجر آمد و مطابق همان دفتری که دولت پلمب کرده است و رسمیت داده است گفت که حاصل زندگی و تجارت من این است آنوقت چطور میتواند آن مأمور بگوید که اطمینان بخش نیست؟ يك چیزی را که رسمیت داده اند در یکجا چطور میشود که در یکجا دیگر رسمیت ندهند؟ وقتی که يك کسی مدرک رسمی در دستش است که یکی همان دفتری است که دولت رسمیت داده است دیگر چه حرفی میتواند داشته باشید؟ اگر مدرک رسمی نیست آنوقت مدرک عادی میشود اگر عادی باشد بنده حرفی ندارم ولی اگر رسمی باشد بنده تصور نمیکنم شما حاضر بشوید در این قانون مدارک رسمی را بهم بزنید و برای این که در یکجا دو جا يك تاجری يك محاکمی آمده است و خلاف کرده است اسناد رسمی را از بین ببرید این است که من به آقایان عرض میکنم و به مجلس هم عرض میکنم که توجه کنید مدارک رسمی را از دست ندهید و راجع به توضیحی هم که آقای مخبر فرمودند که اگر اظهارنامه را در موعد مقرر تسلیم نکرده باشد آقا شما در ماده ۱۶ جریمه معین کردید برای کسی که تأخیر در تسلیم اظهارنامه کرده است دیگر تکرارش در این ماده برای چیست و محتاج نیست برای اینکه در ماده ۱۶ معین شد که اگر يك ماه تأخیر شد در دادن اظهارنامه فلان مبلغ جریمه بدهد اگر فلانطور شد چقدر باید جریمه بدهید دیگر این چه اصراری است که شما بازرنگی که دارید باز هم اینجا مینویسید خواهش میکنم درست به ریاض بنده یک قدری گوش کنید و تصدیق بفرمایید که اگر دفاتر رسمی و اسناد رسمی در دست مؤدی هست که محل اعتبار است شما حق ندارید دیگر آنرا از اعتبار بیندازید.

معدل - آقای انوار قسمتهای دیگری را که خواستند در این جا ثابت کنند آمدند يك چیزی مسلمی را مثل میزنند یعنی دفاتر رسمی پلمب شده يك تاجر صحیحی را که

می آورد مدرک قرار میدهد او را ملاک قرار میدهند که اگر آنها را آوردند چرا شما آنها را قبول نمیکنید آقا مؤدی مالیاتی منحصر به تاجری که دارای اسناد و دفاتر پلمب شده باشد نیست فلان بنکدار و بقال هم مشمول مالیات است ولی دفاتر پلمب شده ندارد یک دفتر معمولی دارد باید این دفتر طوری باشد که قانع کننده باشد قانع کننده بنظر میرسد که بهترین جمله و کلمه ایست که برای این منظور در نظر گرفته میشود یعنی زنده نباشد یعنی آدم را قانع کند از آن طرف هم فقط دفاتر نیست سند هم هست ممکن است این سند یک تیکه کاغذ باشد و یک مهر در مسجد شاه هم بان زده باشند اگر یک کسی این را آورد قبول کنند؟ البته اسناد عادی را بطور کلی نمیتوانیم قبول کنیم البته اسناد عادی از طرف بعضی اشخاص صادر میشود که در صحت آن تردیدی نیست و از طرف دیگر بسیاری از اسناد هست که در صورت ظاهر خیلی صحیح است ولی در صحت آن میشود تردید کرد جناب عالی هم در معاملات اینطور هستید مگر هر سندی را قبول میکنید؟ بنده عرض کردم جنبه افراط و تفریط را نگیرید یک مالیاتی میخواهیم وضع کنیم اگر در اصلش شک و شبهه هست مختارید ولی وقتی که قبول کردید برای جریان قانون هم باید یک سائلی درست کرد که بتوانند قانون را درست اجرا کنند و مؤدیان هم نتوانند سوء استفاده کنند اگر کلمه قانع کننده نباشد آنوقت هر کاغذ باطلی را هم که بیاورند باید قبول کنند (تهرانچی - قابل قبول بنویسید) قابل قبول؟ هر چیزی قابل قبول است بنده نمیدانم که چرا از این کلمه بدتان می آید قانع کننده یک کلمه معمولی است معنایش را در نظر بگیرید این جا ما برای کلاس درس که نمیخواهیم چیز بنویسیم اینجا استفاده معنی میخواهیم از کلمات بکنیم قانع کننده یعنی شخص منصف را قانع بکند (تهرانچی - آدم منصف پیدا نمیشود) آدم غیر منصف را نگذارید حکومت بکند اختیار انتخاب و تعیین وزراء باشما است و اختیار انتخاب اعضاء هم با وزراء است پس با این اختیار اشخاص غیر منصف را نگذارید حکومت بکنند.

رئیس - آقای ملک مدنی .

ملک مدنی - بنده عقیده ام این است با اینکه آقای مخبر یک بیانات ادبی و یک معانی ادبی در این ماده کردند لازم است در این ماده یک اصلاحاتی بشود صحبت از دفاتر رسمی نیست سوء تفاهم نشود دفتر رسمی را هیچکس نمیتواند تردید کند برای اینکه دفتری که پلمب شده و دولت آنرا رسمیت داده است او البته مورد تردید نیست حرف سر این است که مردم دهاتی و خرده مالک و کسبه جزء که دفاتر رسمی ندارند و آنها هم با این قانون سروکار دارند و ما باید این قانون را طوری وضع کنیم که حتی المقدور تولید اشکال برای مردم نکند و کار دولت هم پیشرفت کند ما فکر این را نمیکنیم که دستگاه دولت خوبست یا بد است دستگاه دولت ممکن است یک قسمتش خوب باشد یک قسمتش بد قانونگذار باید فکر این را بکند که اگر در دستگاه دولت کسی خواست سوء استفاده بکند جلوی او را بگیرند. این عبارتی که اینجا گذاشته شده که قانع کننده و اطمینان بخش (معدل - اطمینان بخش حذف شد) آقا دولت قدرت دارد نفوذ دارد کار خودش را میکند ولی مردم بیچاره هستند و نمیتوانند مقصود و منظور خودشان را بفهمانند و دولت را قانع کنند تمنا میکنم موافقت بفرمائید این جمله را هم از اینجا بردارید و اگر هم این قسمت را بردارید اشکالی پیدا نخواهد شد برای اینکه اگر در یک جا مورد اشکال شد ما که جریمه معین کرده ایم که اگر کسی برخلاف حقیقت یک اظهارنامه داد و خواست از پرداخت مالیات فرار کند حق دارید که او را تعقیب کنید جریمه کنید بنابراین تقاضا میکنم آقای وزیر مالیه موافقت بفرمایند این قسمت را اصلاح بفرمایند که رفع اشکال بشود.

وزیر دارائی - بنظر بنده آقایان باید همیشه دو طرف را در نظر بگیرند اگر آقایان نظرشان این است که چهار نفر مأمور دولت بد است همه را با سوء ظن نگاه نکنند و بخواهند بکلی دست و پای دولت را به بندند و از آن طرف هم باید ملاحظه کرد که اشخاصی هم هستند که دفاتر پلمب شده دارند و دو دفتر دارند یک دفتر رسمی را تویش مینویسند

برای کار خودشان و یکی را هم برای پرداخت مالیات (تهرانچی، چنین چیزی نیست) منکر نمیشود شد همانطور که ممکن است یک مأمور بدی باشد که یک عمل بدی را بکند از آن طرف هم ممکن است اشخاص بدی هم باشند که سوء استفاده کنند و عمل بدی بکنند ما اینجا چیزی ننوشته ایم ما نوشته ایم در صورتیکه اسناد قانع کننده ارائه ندهد وزارت دارائی میتواند اعتراض کند و اگر دفاتر و اسناد قانع کننده ارائه داد این حق اعتراض ساقط است و این از نقطه نظر ارفاق بان طرف است ما میگوئیم اگر طرف یک دفتر و اسناد قانع کننده ارائه داد دیگر وزارت دارائی نمیتواند این اعتراض را بکند و بعلاوه اگر وزارت دارائی در اسناد او مشکوک شد که این اسناد درست نیست و این اظهارنامه صحیح نیست تازه ارجاع میشود به کمیسیون رسیدگی کمیسیون هم البته رسیدگی میکند و احقاق حق میکند بنابراین این عبارتی که اینجا نوشته شده هیچ اشکالی ندارد بلکه از نظر مؤدی یک ارفاقی است گفتیم اگر اسناد قانع کننده مؤدی داشت و آن مأمور مورد اطمینانش شد دیگر آن مأمور تعقیب نکند و اعتراض ندهد و الا حق داشته باشد اعتراض بدهد در هر صورت این تعقیب و اعتراض اشکالی ندارد می رود به کمیسیون و کمیسیون هم رسیدگی میکند و احقاق حق میکند. راجع باظهارنامه هم که نوشته است اگر تسلیم نکند و اظهارنامه نداد ما اینجا نوشتیم پنج تومان جریمه بدهد حالا تا چه موعدی میتواند ندهد؟ و دولت چه تکلیفی دارد ما می پنج تومان را ممکن است یک کسی همه ماهه حاضر باشد بدهد که از پرداخت مالیات فرار کند پس باید یک موعدی برای آن قائل شد که اگر در آن موعده مقرر اظهارنامه اش را نداد دولت بتواند از روی قواعد مربوطه و از روی قوانین و امارات تشخیص خودش را بدهد و اینهم بسیار چیز لازمی است.

یهمین اسفندیاری - بسیار چیز مضری است .

رئیس - آقای تهرانچی .

تهرانچی - عرض کنم صحبت سر دفاتر پلمب شده نیست ولی اسناد ممکن است همانطور که فرمودند هم رسمی باشد هم

غیر رسمی اینجا که نوشته شده است اطمینان بخش و قانع کننده این را بردارید و بنویسید اسناد و دفاتر معتبر آنوقت تشخیص آن آسانتر است و وقتیکه معتبر نوشته شود تعریف آن معلوم است ولی اگر کلمه قانع کننده باشد ممکن است اگر طرف سند رسمی هم بیاورد بگوید قانع کننده نیست تقاضا میکنم قانع کننده را بردارید و بنویسید معتبر که برای طرفین مفید است .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود .

پیشنهاد آقای بهبهانی :

پیشنهاد میکنم ماده ۱۸ بطریق زیر اصلاح شود

ماده ۱۸ - وزارت دارائی مجاز است برای تعیین و تشخیص میزان قطعی مالیاتی که بموجب این قانون بمرمودی تعلق میگیرد به کلیه دفاتر و اوراق و اسناد مؤدی مالیاتی مراجعه و رسیدگی نماید و مؤدی مالیاتی مکلف است وسائل این رسیدگی را الی آخر

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - اینجا بنظر من یک اشخاصی را دخالت داده اند در این کار که طرف معامله با دولت نیستند و تصور میکنم اینکه اینجا نوشته است که اسناد مؤدی مالیاتی یا اشخاص دیگری که طرف معامله هستند بیمورد است بچه مناسبت حق بدهیم بدفاتر اشخاص دیگر رسیدگی شود؟ او که مسؤل دفاتر اشخاص دیگر نیست اینها یک معامله دارند باینده بند هم یک معامله دارم با اشخاص دیگر اشخاص دیگر بچه مناسبت دفاترشان را در تحت نظر دولت بگذارند؟ علاوه بر این بنده خواستم پیشنهاد کنم که حق مراجعه به دفاتر تجار نداشته باشند چون دفاتر تجار یک جنبه ناموسی دارد برای آنها ولی از قراری که شنیدم این مسئله فعلا هم معمول به است چون دفاتر تجار رسمیت دارد اگر یک اختلافی پیدا بشود بین ادارات مالیه و مؤدی بدفاترشان رجوع میکنند ولی همینقدر ما باید اکتفا بکنیم بدفاتر خود مؤدی بدفاتر سایرین بچه مناسبت حق مراجعه داشته باشند؟

بنابر این بنده پیشنهاد کردم که اشخاص دیگر را بردارند و همچنین (آن اشخاص مکلفند) را هم بردارند و این ماده را بقرتیبی که پیشنهاد کردم اصلاح کردم

وزیر پست و تلگراف - يك توجهی اگر اینجانب فرمائید تصور میکنم که اصل این اشکالات مرتفع شود اگر این ماده ۱۸ نبود تصور نمیکند یک طریق سهل تر از این ممکن می شد به نفع مؤدی برای رفع اختلافات پیدا کرد این ماده چه می گوید؟ میگوید: اشخاصی که راجع به میزان مالیاتشان اختلاف دارند میتوانند اگر دفاتر قانع کننده دارند برای اثبات نظر خودشان ارائه دهند البته یکی از آن مدارک دفاتر است دفاتر رسمی سنداست نسبت بآن چیزی که نوشته شده ولی ممکن است يك معامله باشد که در آن دفاتر قید نکرده باشد باشد و همچنین راجع به يك قسمتی که آقای بهبهانی بآن اشاره فرمودند که عدم رجوع بدفاتر دیگران باشد بنده نمیدانم این رجوع بدفاتر دیگر چه ضرر دارد مثلاً بنده تاجری هستم در دفترم اشاره می کنم که يك معامله ای کرده ام با فلان تاجر دیگر برای اینکه معلوم شود که آیا این معامله بهمین وضع که من قید کرده ام درست است یا درست نیست باید آن مأمور مالیه حق داشته باشد که رجوع کند بدفتر آن تاجر تخانه طرف معامله تا این که بفهمد این معامله که قید شده صحیح است یا نیست اگر این حق را نداشته باشد که بیک مرجع دیگری رجوع کند نمی تواند بفهمد که مندرجات این دفتر صحیح است یا نیست و این حق تصور می کنم برای جلوگیری از تقلب لازم است (بیمین اسفندیاری - حق نامشروعی است)

رئیس - پیشنهاد آقای نیکپور هم در همین زمینه است قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم این جمله حذف شود: یا اشخاص دیگر طرف معامله با او.

رئیس - آقای نیکپور

نیک پور - پیشنهاد بنده هم شبیه پیشنهاد آقای بهبهانی است منتهی يك دلیل دیگری غیر از دلایل ایشان لازمست

تذکر داده شود. در ماده غیر از مؤدی يك اشخاص ثالثی را هم مکلف کرده است که اسناد و دفاتر شانرا تحت رسیدگی مأمور مالیه قرار دهند در صورتیکه آقایان میدانند که این تکلیف فقط برای مالیه و اشخاص مؤدی است و اشخاص دیگر نباید بهیچوجه من الوجوه الزام و اجباری برایشان باشد و نباید در این قانون ما يك تکلیفی برایشان وضع کنیم و ایجاد يك مشکلی برای مردم بکنیم من باب مثال میخواهم عرض کنم برای جواب فرمایشی که آقای انتظام فرمودند و استدلالی که کردند، البته کمتر کسی است که مشمول مالیات باشد و با بانکها طرف معامله نباشد یکی از مؤسسات مهم مملکت ما بانکها هستند که با اکثر مردم طرف معامله هستند و البته تصدیق میفرمائید که دفاتر بانکها و روابطی که مردم با بانکها دارند دفاتری نیست که هر روز بشود اجازه داد مأمور مالیات برود دفاتر بانک را بکشد بیرون و بخواهد تمام امور و نوامیس مردم را از آن بیرون بکشد و رسیدگی کند برای تشخیص و وصول پنج فقره مالیات یا اینکه فلان تاجر که در تجارتخانه خودش نشسته است و با مردم معاملاتی دارد دفاترش همیشه در اختیار مأمورین مالیه باشد که برای دعوی عمر و زیند بآن مراجعه کنند و او هم ملزم باشد هر روز آن دفاتر را بیرون بیاورد و در اختیار کامل مأمورین قرار دهد مثلاً فلان مالک در يك تاریخی فلان جنس را فروخته و حمل و نقلش بوسیله يك تجارتخانه شده است اینجا آن تجارتخانه باید دفاتر خودش را در اختیار مأمورین بگذارد که برای يك چنین امر جزئی حق داشته باشند بکلیه معاملات و دفاتر او رسیدگی کنند و این کار ابداً موردی ندارد مخصوصاً موضوعی را که عرض کردم ارتباطی که این کار با بانکها دارد و بظرفیتی که مردم با بانکها دارند اسباب زحمت خواهد شد بنابر این تصور میکنم بهتر این است که دولت موافقت کنند که اصلاً پای اشخاص ثالث را در کار دولت و مؤدی نیارید و بهیچوجه من الوجوه اصلاً این راه را باز نکنید و باین دلائلی که عرض کردم اشخاص دیگری که طرف معامله هستند مکلف هستند این

تکلیف را از عهده اشخاص ثالث بردارید (صحیح است).
رئیس - پیشنهاد آقای امیر تیمور هم که در همین زمینه است قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم جمله (یا اشخاص دیگر طرف معامله با او) از ماده ۱۸ حذف شود.

رئیس - آقای امیر تیمور - با توضیحاتی که آقای نیک پور دادند دیگر حاجت نیست که بنده بطور تفصیل در اینباب توضیح عرض کنم منظور این است که اشخاص دیگر را وارد این کار نکنید زیرا من مسئول خودم هستم و دفاتر من فقط باید رسیدگی شود وقتی که من يك تاجری هستم که دارای دفاتر رسمی پلمب شده هستم با اشخاص دیگر مربوط نیست و اگر يك روزی لازم باشد که بدفاتر اشخاص دیگر هم رسیدگی شود آن در موردی است که محکمه این حکم را بکنند و بدون حکم محکمه کسی حق ندارد که بدفاتر اشخاص ثالث مراجعه کند (نیکپور - الا آن هم چنین چیزی نیست) و اگر شما این حق را بخواهید برای خودتان قائل شوید که اگر يك روزی لازم باشد به دفاتر اشخاص ثالثی مراجعه کنید باید بمحکمه مراجعه کنید بعد از این که محکمه حکم داد آنوقت مراجعه کنید والا ممکن نیست اجازه داده شود يك مأموری بتواند هر وقت بخواهد دستک و دفتر اشخاص را بعنوان رسیدگی بحساب دیگری مراجعه کند و بنده هم معتقدم باید این قسمت حذف شود.

وزیر دارائی - این مسائلی که در این قانون نوشته شده يك قسمت از روی تجربه و عمل است برای اینکه يك چیزهایی در این مدت هائی که عمل کرده اند در قانون مالیات بر درآمد يك نظریاتی بدست آمده است عمده مطلب اینست که اغلب دفاتر در معاملات با قسمتهای دیگر يك کم و زیاد هائی دارد که از زیر بار مالیات فرار کنند نسبت بهممه کس که این کار نمیشود البته این عمل نسبت باشخاصی است که میخواهند از زیر بار مالیات فرار کنند فرض کنید که فلان جنس را بکسی فروخته اند و در دفتر وارد شده است

از قرار پانزده تومان در صورتیکه مسلم بوده است که این جنس در آن تاریخ قیمتش پانزده تومان نبوده است و میدانند که این جنس قیمتش چهل تومان بوده است و او مینویسد در دفترش که من به حسین مثلاً فروخته ام پانزده تومان برای اینکه در يك همچو موردی رسیدگی کنند و به بینند که واقعاً دفتر حسین هم همینطور است و پانزده تومان حقیقه فروخته است باید مأمور حق داشته باشد بدفتر حسین هم رسیدگی کند اگر آمدند و دیدند که آن دفتر هم همینطور است با اینکه وضعیت روز اختلاف دارد معلوم میشود يك معامله طرفینی کرده اند ولی اگر اختلاف داشته باشد این تقلب کشف میشود نسبت باین قسمت هم که فرمودند که مأمورین مزاحمت هائی وارد می آورند البته ممکن است در مأمورین اشخاصی هم باشند که نسبت بمردم تعدی کنند و اجحاف کنند ولی اصولاً ملاحظه بفرمائید از آن طرف هم اشخاصی هستند که این عملیات را برای افراد از پرداخت مالیات میکنند و در اینجا هم موضوع منافع دولت و منافع کشور و منافع عمومی است صحبت منافع شخصی نیست که ما بتوانیم از آن صرف نظر کنیم و دلیلی ندارد که اشخاصی بتوانند عایدات مملکت را از بین ببرند و اگر در اینجا يك چیزهایی پیش بینی شده از نقطه نظر عمل و تجربه است و بنده خودم مخصوصاً در این موضوع کاملاً مذاکره کرده ام هست دفاتری که مورد این سوء ظن هست و باید مأمور این اختیار داشته باشد که حق دولت را حفظ کند البته حالا هر طور مجلس شورای ملی صلاح بداند عمل خواهد شد ولی موضوع اینجا نسبت به حفظ مال مملکت و مال کشور است که جنبه عمومی دارد و باید حفظ شود و باید بیشتر دست مأمورین را باز بگذارند که بتوانند مال مملکت را حفظ کنند و بنده خودم هم نمیتوانم برای شما قسم حضرت عباس بخورم که در مأمورین اشخاص نادرست نیستند بنده هم میگویم که نادرست تویشان هست بنده خودم هم اعتراف میکنم ولی اصلش را میگویم که موضوع حق عمومی مردم است (تهرانچی - طرز اجرا را باید درست

کرد که مورد سوء استفاده واقع نشود) طرز اجرا را البته باید درست کرد ولی راه عمل را هم باید باز کرد و اگر این راه باز نباشد که مأمورین بتوانند بخوبی رسیدگی کنند نمیشود مال دولت را وصول کرد.

رئیس - پیشنهاد آقایان بهبهانی و نیکپور و امیر تیمور تقریباً يك مضمون است.

چند نفر از نمایندگان - یکمرتبه دیگر این پیشنهادها خوانده شود.

(پیشنهادات آقایان بهبهانی و نیکپور و امیر تیمور مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

معدل - سایر پیشنهادات دیگری هم که در این ماده هست قرائت بفرمائید تا بعد تکلیف این پیشنهادات معلوم شود.
رئیس - پیشنهاد آقایان تهرانچی و یمین اسفندیاری: پیشنهاد میکنیم بجای (قانع کننده و اطمینان بخش) نوشته شود (معتبری).

رئیس - آقای تهرانچی

تهرانچی - منظور بنده همان قسمتی است که در موقع طرح ماده عرض کردم و استدعا میکنم که موافقت بفرمائید و قتی که معتبر نوشته شود تعریف آن معلوم است و زود میشود معین کرد ولی قانع کننده و اطمینان بخش که نوشتیم ممکن است هزار جور تعبیر بشود و مأمور بگوید که خیر این قانع کننده نیست.

رئیس - پیشنهاد آقای لاریجانی

حذف جمله اسناد قانع کننده و اطمینان بخش را پیشنهاد می کنم.

رئیس - آقای لاریجانی

لاریجانی - عرض کنم آقای مخبر توجه بفرمائید. با رعایت ماده ۶۳ بنده ناگزیرم دو سه موضوع را عرض کنم آقای معدل ضمن بیاناتشان فرمودند که اگر میخواهید باین مالیات رأی بدهید یا ندهید. موضوع رأی دادن یا یا رأی ندادن نیست اگر نمیخواستیم رأی بدهیم شب و صبح

اظهارنامه خود را تهیه و تسلیم نمائید وزارت دارائی مجاز است بر طبق فلان تا آخر.

بعضی از نمایندگان - بسیار خوب است.

بهبهانی - اجازه بفرمائید؟ آقا خیال کردند که ما گیج و گنگیم برای این که رفتند و يك صورتی درست کردند و آوردند که معنی آن بالمضاعف اسباب زحمت است برای اینکه این جا يك آدمهای بی ربط هم که هیچ مناسبت با حساب ندارند میتواند حساب بخواهد و بدفاتر او رسیدگی کند مثلاً يك شخصی در اصفهان است و هیچ ارتباطی هم با مؤدی ندارد میتواند بدفاتر او هم رسیدگی کند و مؤدی هم باید وسائل رسیدگی را فراهم نماید و افعلاً باین عبارتی که اصلاح شد وضع غریبی ایجاد میشود من خیلی تعجب میکنم که چرا نمیخواهید مردم در رفاه باشند چرا میخواهید آفتدر مردم با مأمورین دولت در تماس باشند؟ چرا میخواهید مأمورین دولت را که خودتان میدانید اشخاص نالایق در آنها زیادتر است تا اشخاص لایق بر مردم مسلط کنید؟ يك قلم بنویسید که بدفاتر مؤدی رسیدگی کند این کسی که مؤدی مالیات است دفاترش را نشان بدهد چیزی بود بودند؛ نبود آقا اینکه میگویند دزد نگرفته پادشاه است چرا اینطور مزاحمت فراهم میآورید؟ نمیتوانید گیریاورید بروید دیگر چرا برای يك موضوع كوچك میخواهید اسباب زحمت همه را فراهم بیاورید؟ و فردا همه را گرفتار کنید و مأمورین نانجیب دولت هم بیفتند بجان این مردم؟ یعنی چه؟! چرا هیچ ب فکر این مردم نیستید. بنده که از پیشنهاد خودم صرف نظر نمیکنم و تقاضا میکنم که رأی گرفته شود (يك پور پیشنهاد حذف این قسمت شده رأی بگیرید) پیشنهاد حذف را که نمیشود رأی گرفت.

معدل - آقایان توجه باین مطلب داشته باشند که باید اساس این قانون را حفظ کنند این ماده مربوط با اجرای این قانون است و بنظر بنده مواد مربوط با اجرا را بایستی با نظر اهل فن اصلاح کرد و تنظیم کرد از اینکه بنده با آقا يك پیشنهادی بکنیم و آقایان رأی بدهند و بعد نتیجه حاصل

نشود و دو مرتبه مجبور شوند يك لایحه بیاورند چه فایده دارد (بهبهانی - بیاورند چه اشکالی دارد؟) بنده نمیگویم این را آلان تصویب کنید بنده عرض میکنم که مطالعه کنید چون آقایان تصور میکنند که اگر يك پیشنهادی کردندوا کثرت رأی دادمطلب تمام است (بهبهانی کسی نمیتواند مخالف نظر اکثریت مجلس نظری بدهد) آخر بنده را تهدید نکنید بنده میگویم باید مطالعه کرد که در ضمن عمل اشکالی تولید نشود این عمل عمل فنی است (بهبهانی عمل فنی چیست؟! اولاً یادتان نرود که من هم یکی از شماها هستم شما دارید مطلب مرا معکوس جلوه میدهید من که حقم کمتر از شما نیستم شما چرا میان حرف بنده حرف میزنید این چه صحبتی است؟ بنده عرض این است که مجلس شورای ملی میتواند رأی بدهد که صدی پنجاه مالیات گرفته نشود و صدی ده گرفته شود این بسته به اراده خود آقایان است ولی يك نکات و دقایقی است که او اختیارش از جهت فنی بودن از دست ما خارج است باین معنی که شما این مالیاتی را که وضع کردید برای اینکه اجرا شود بایستی اسباب و وسائل اجرای آنرا هم در دسترس مجری بگذارید بنده عرض نمیکنم که عین این عبارت را تصویب بفرمائید ولی این را میگویم که اگر به يك چیزی رأی دادید و کاردر عمل انجام نشد و لنگ شد باز مراجعه میکنند بخودتان پس باید يك جمله ای بگذارید که کار مجری هم لنگ نشود (بهبهانی لنگ نمیشود آقا) حالا اگر با این اصلاحی که کلمه مؤدی هم اضافه شود و باین ترتیب نوشته شود که (اوراق و اسناد هر مؤدی) نظر آقایان تأمین میشود بنده موافقت میکنم

بهبهانی - ماده اصلاح شده را دو مرتبه با این اصلاح بخوانند.

رئیس - ماده با اصلاحاتی که شده است قرائت میشود ماده ۱۸ - وزارت دارائی مجاز است برای تعیین و تشخیص میزان قطعی مالیاتی که بموجب این قانون بهر مؤدی تعلق میگیرد به کلیه دفاتر و اوراق و اسناد هر مؤدی که برای تعیین میزان در آمد مشمول مالیات است مراجعه و رسیدگی نماید

و مؤدی مالیاتی مکلف است وسائل این رسیدگی را فراهم نماید. در صورتیکه مؤدی دفاتر و اسناد معتبری ارائه ندهد و یا در موعد مقرر اظهارنامه خود را تهیه و تسلیم ننماید وزارت دارائی بر طبق آئین نامه مربوطه از روی قرائن و امارات مالیات او را تعیین و ابلاغ خواهد نمود.

بهبهانی - خوب است. اشکالی ندارد (صحیح است) **رئیس** - رأی گرفته میشود به ماده ۱۸ با اصلاحاتی که شده است موافقین برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۹ قرائت میشود:

ماده ۱۹ - برای رسیدگی به شکایات مؤدیان مالیاتی از اجرای مقررات این قانون در هر يك از نقاطی که ادارات دارائی دائر باشد کمیسیون یا کمیسیونهای مرکب از سه نفر تشکیل میگردد که يك نفر از طرف رئیس دارائی و يك نفر از طرف رئیس دادگستری و يك نفر هم از طرف اطاق بازرگانی یا انجمن شهرداری طبق آئین نامه مخصوص انتخاب میشود.

کلیه اشخاصی که نسبت با اجرای مقررات این قانون از مأمورین دارائی شاکی بوده و یا نسبت به تشخیص و تعیین میزان بدهی مالیاتی خود معترض باشند میتوانند برای رسیدگی به شکایات و رفع اختلاف باین کمیسیون مراجعه نمایند. کمیسیون نامبرده موقع و تاریخ و محل رسیدگی را تعیین و بشاکی ابلاغ خواهد نمود. طرز رسیدگی و اتخاذ رأی بموجب آئین نامه که از طرف وزارت دارائی تنظیم میشود به عمل خواهد آمد. رأی صادره از طرف کمیسیون نسبت بمؤدی مالیاتی و دولت قطعی بوده مگر اینکه اولاً وزارت دارائی دلائلی بدست آورد که اسناد و مدارك ابرازی مؤدی جعلی باشد و در اینصورت وزارت دارائی حق خواهد داشت که تقاضای تجدید نظر نموده و موضوع را بکمیسیون مربوطه مجدداً احاله و در قسمت جعل و تزویر به محاکم صالحه مراجعه نماید. ثانیاً وزارت دارائی یا مؤدی مالیاتی از رأی کمیسیون بدیوان دادرسی دارائی استیناف بخواند.

رئیس - آقای انوار .

انوار - برای من خیلی روشن است که این قانون بزودی

از بین می رود برای اینکه خدا خواسته است و من میفهمم که این شعله جنگ که عالم و بشر را میسوزاند دارد خاموش میشود و حقیقه امیدواریم این شعله از بین برود و من واقفاً در مقام استجاب دعا همیشه دعا میکنم که خدا این آتش را خاموش کن و انشاءالله امیدوارم این آتش خاموش بشود که اینقدر از ابنای بشر نابود نشود و بعد از خاتمه جنگ هم این قانون دو ماه بعد از آن از بین خواهد رفت و دیگر برای اجرا و سایر چیزهایش آنقدر در اضطراب نخواهیم بود. در این ماده يك عبارتی دارد که میگوید: رأی صادره از طرف کمیسیون نسبت به مؤدی مالیاتی و دولت قطعی بوده بعد جای دیگر میگوید وزارت دارائی یا مؤدی مالیاتی میتوانند از رأی کمیسیون بدیوان دادرسی دارائی استیناف بخواهند بنده عرض میکنم در صورتیکه رأی قطعی واقع شد یعنی رأی که از آن کمیسیونی که مرکب است از سه نفر بآن ترتیبی که نوشته اید صادر شد و شما آنرا قطعی میدانید دیگر در رأی قطعی استیناف موضوع ندارد این يك موضوع موضوع دیگر این که درست است وزارت دارائی این قانون را تنظیم کرده است از جهت جمع آوری مالیاتی که در نظر گرفته است ولی باید حقوق و حدود و ثغور قانون را محفوظ بدارند ما هم که نمایندگان ملت هستیم حقوق آنها را باید ضبط کنیم. در اینجا حق استیناف و حق تجدید نظر برای دولت قائل شده اید ولی برای مؤدی قائل نشده اید این چه صورتی دارد باید همانطور که برای دولت حق تجدید نظر قائل شده اید برای مؤدی هم قائل شوید همانطور که دولت میتواند تجدید نظر بخواهد ولو بهر چه باید حق بدهید به مؤدی هم که اگر به رأی صادره اعتراض داشته باشد بتواند تجدید نظر بخواهد این هم يك نظری است که بنده داشتم و خواستم آقای مخبر توضیح بفرمایند.

معدل - رأی که فرمودند قطعی است همانطور است و رأی صادره از طرف کمیسیون قطعی است و برای دولت هم منحصرأ در يك مورد حق تجدید نظر و استیناف قائل شده اند و آن موضوع جعلی بودن است. اگر در اینجا میشد فرض نظیر این راهم برای طرف کرد البته میشد این حق را برای

مؤدی مالیات قائل شد ولی از طرف دولت که اسناد جعلی ارائه داد. نمیشود که اگر شد او هم تعقیب بشود و بگوئیم مؤدی هم میتواند اگر دولت اسناد جعلی ارائه داد استیناف بدهد. فقط برای مؤدی ممکن است که اسناد جعلی ارائه بدهد و تصدیق بفرمائید که اگر مؤدی جعل کرده باشد در هر مرحله ای باشد قابل تعقیب است.

رئیس - آقای امیر تیمور .

امیر تیمور - اولاً اینکه آقای معدل میفرمایند که دولت جعل نخواهد کرد بنده مواردی را در نظر دارم که مأمورین دارائی رفته اند بخانه مردم و تریاك قاچاق انداخته اند آنجا برای اینکه جریمه بگیرند (صحیح است) و این قبیل اشخاص یکی دو تا نیستند ولی چون آدم پرده دری نیستیم نمیخواهم اسم ببرم ولی باور کنید که این طبقه در مأمورین دارائی اکثریت دارد و در ولایات مخصوصاً بجان و مال و عرض اشخاص تسلط دارند و مانعی هم ندارد که این اشخاص در يك قسمتهائی هم جعل بکنند. پس همانطور که دولت حق دارد اعتراض بکند باید این حق را بدیگری هم داد این يك موضوع. موضوع دیگر این است که شما يك کمیسیونی تشکیل داده اید مرکب از سه نفر. یکی از طرف دارائی یکی هم از دادگستری و يك نفر هم از طرف انجمن شهرداری. اولاً در غالب نقاط کشور دادگستری اصلاً وجود ندارد در آنجا نه عدلیه نه محکمه صالحه است. نقاطی را بنده نشان میدهم که از بدو تشکیلات عدلیه تا حالا تمام امور او را کد مسانده است و محکمه عدلیه نداشته است در آنجا چکار میکنید؟ اما البته دارائی وجود دارد و ثانیاً شما کسانی را که انتخاب کرده اید تمام آنها نمایندگی دولت را دارند مال دادگستری از دولت است و مال مالیه هم از طرف دولت است فقط انجمن شهرداری است که نیست از طرف مؤدی هم بعقیده بنده يك نفر لازم است که باشد و بیاید توضیح بدهد و مطالب خودش را بیان کند و دفاع بکند از اعتراضاتی که شده است بکنند و سر بی صاحب تر شدند و تنها بقاضی نروند تنها بقاضی رفتن که موردی ندارد این يك موضوع و موضوع دیگر

این است که نوشته شده این رسیدگی از طرف وزارت دارائی بعمل خواهد آمد. این کار حقوقی را آئین نامه اش را وزارت دارائی نمیتواند تعیین کند این آئین نامه اش را باید وزارت دادگستری تعیین بکند. آقای معدل این اعتراضات بنده بود تمنی میکنم توجه کنید عرض میکنم این را هم که نوشته است به دیوان دادرسی دارائی این دیوان دادرسی دارائی هم يك کاپیتولاسیونی در این مملکت شده است زیرا وقتی که ما دارای محاکم قضائی و دادگستری هستیم باید تمام محاکمات ما در عدلیه بعمل بیاید و اینجا هم باید برود به عدلیه. حتی آقایان نمایندگان هم يك طرحی را پیشنهاد کردند که دیوان کیفر و دیوان دارائی باید از بین برود و در مملکت فقط يك محکمه و يك دیوان باید باشد و آنهم دیوان عدلیه است. حالا میخواهید این دیوان دارائی را هم بهش اضافه کنید؟ این چهار موضوع مورد اعتراض بنده است که باید اصلاح بشود.

معدل - این موضوع جعل را که فرمودند بنده نمیدانم که در این موضوع مالیات مأمورین دولت چه احتیاجی دارند که اسنادی داشته باشند که اینها جعل بشود یا نه از طرف دولت که سندی ارائه داده نمیشود که جعل بشود این موضوعی را که مثال میزنید راجع به تریاك آخر این مثال باید وارد در موضوع باشد یعنی شباهتی با موضوع داشته باشد. خود حضرات عالی دیده اید و آمده اید که حساب راتصفیه کنید دولت که اسنادی ارائه نمیدهد شما باید سند ارائه بدهید که من بموجب این سند بموجب این اوراق مالیاتم این قدر میشود. دولت میگوید که اگر بعداً معلوم شد که در این اوراق جعل و تزویر یا خدشه ای شده است باید آن شخص تعقیب شود و خود آقا هم خودتان تصدیق میکنید که آدم جاعل و مزور را در هر مرحله ای که باشد باید تعقیب کرد...

امیر تیمور - باید پدرش را در آورد.

معدل - اما اگر شما بتوانید يك موری را نشان بدهید که در موقع تصفیه حساب دولت هم يك سندی را ارائه

میکنند که من بگویم احیاناً این سند جعل است این ممکن است ولی اصلاً چنین موردی پیش نمیآید که ما یک چنین پیش بینی را بکنیم. اما راجع به حضور مودی مالیاتی در جلسه رسیدگی این را حضرتعالی باید تصدیق کنید که آن شخصی که از طرف انجمن شهرداری و اطاق بازرگانی معین میشود این نماینده مودی است برای اینکه بسیاری از مودیان مالیات هستند که نمیتوانند دفاع از این حق خودشان بکنند یعنی فلان آدم اصلاً سواد ندارد که از حق خودش دفاع بکند او آشنا به قوانین نیست که بتواند دفاع کند. در صورتیکه فلان نماینده شهرداری و فلان نماینده اطاق بازرگانی بهتر میتوانند از حق او دفاع کنند تا شخص خودش و بعلاوه این نماینده‌ای که از اطاق بازرگانی است از همان طبقه‌ای خواهد بود که موضوع مالیاتش طرح است. مثلاً فرض بفرمائید کشاورزان نماینده آنها از خود آنها انتخاب میشود پس اینجا این ارفاق را میشود کرد که مؤدی مالیاتی از هر طبقه‌ای باشد انتخاب فرماندار یا بخش دار آن نماینده از آن دسته انتخاب بشود مثلاً از جامعه اطباء یا کمیته کشاورزان که الان در تمام کشور تشکیل شده است از آنها انتخاب بشود و این را الان ممکن است اصلاح کنیم. اما راجع به دیوان دادرسی که فرمودید حضرتعالی اگر بخواهید که تمام اصلاحاتی را که در تمام تشکیلات این مملکت هست در ضمن این قانون اصلاح بفرمائید این کار میسر نمیشود. شاید بنده هم مثل جنابعالی معتقد باشم که خوب کاری است که ما تمام اصلاحات کشور را در نظر بگیریم ولی این جایش اینجا نیست. ما وقتی که دیوان دادرسی هست اموری که یک طرف آن دولت است باید برود بدیوان دادرسی ولی وقتی که این را لغو کردید و این محکمه‌ها از بین بردید آنوقت در آخرش یک ماده‌ای مینویسند که اموری که تابع حال در آنجا اجراء می شده است رجوع میشود بمحاکم عدلیه. بنابراین این جای اصلاح آن اینجا نیست ولی قسمت اخیر فرمایشاتتان کاملاً صحیح است. باینجهت اینطور اصلاح میکنیم طرز رسیدگی و

انتخاب رأی بموجب آئین نامه ایست که از طرف وزارت دارائی بعمل خواهد آمد و البته در ماده ۲۱ هم تکلیف همه آئین نامه‌ها معلوم شده است.

سزاوار - اجازه بفرمائید بنده توضیحی عرض کنم.
رئیس - آقای سزاوار شما پیشنهاد بدهید آنوقت صحبت کنید.

پیشنهاد آقای بهبهانی:

ماده ۱۹ بطریق زیر پیشنهاد میکنم: برای رسیدگی به شکایات مودیان مالیاتی از اجرای مقررات این قانون در هر یک از نقاطی که ادارات دارائی دایر باشد کمیسیون یا کمیسیون‌هایی مرکب از سه نفر در غیر مورد کشاورزی تشکیل میگردد که یک نفر از طرف رئیس دارائی و یک نفر از طرف رئیس دادگستری و یک نفر هم از طرف اطاق بازرگانی یا انجمن شهرداری طبق آئین نامه مخصوص انتخاب شود و در مورد درآمد کشاورزی دو نفر خبره و کارشناس بر این سه نفر افزوده میشود که مجموعاً ۵ نفر باشند.

رئیس - آقای بهبهانی.

بهبهانی - آقایان توجه بفرمائید اگر ما اینجا پیشنهاداتی میکنیم یا زیاد حرف میزنیم برای این است که میخواهیم حتی المقدور موافقت کرده باشیم ولی از طرف دیگر باید یک قدری هم طرفداری از بیچارگان کرده باشیم نه اینکه صرفاً با این قانون مخالفت کرده باشیم. بنابراین همانطور که آقای مخبر مکرر فرمودند که آقایان نمایندگان از صحبت در مواد خودداری کنند و روی پیشنهادشان که میدهند صحبت نکنند بنده مطیع این امر شدم و در ماده صحبت نکردم و روی پیشنهاد صحبت میکنم. پیشنهاد بنده این است که اولاً در این کمیسیون رسیدگی باید تصدیق کرد که همه امور مملکت درش هست باین معنی که یکی معدنچی است و یکی کشاورزی است و یکی تاجر است یکی هم ملاک است و اینها را بطریق واحد رسیدگیشانرا نمیشود کرد. بنابراین بنده پیشنهاد کردم که سه نفر باشد ولی این سه نفر را بنده کم میدانم ولی همین سه نفر را پیشنهاد کردم که آن سه نفر

را در سایر امور بنده تصدیق کردم ولی در مورد کشاورزی بنده معتقدم که چون این کمیسیونی که تشکیل میشود ممکن است که اهل کشاورزی نباشد و خبری در این بابت نداشته باشند بنابراین بنده پیشنهاد کردم که دو نفر هم در امور کشاورزی از خبرگان و کارشناسان محلی انتخاب بشوند که در امور کشاورزی ۵ نفر باشد ولی در سایر امور همان سه نفر باشد.

معدل - یک کمیته کشاورزی قبلاً در تمام کشور دایر شده است.

امیر تیمور - هنوز نشده است.

معدل - الان آقای وزیر کشاورزی اینجا تشریف داشتند و اطلاع دادند که این کمیته تشکیل شده است و اگر در نقاطی هم دایر نشده باشد دایر خواهد شد بنابراین این موضوع را بنده با اطلاع آقایان میرسانم این سطر آخر را بنده قبول کردم که اصلاح شود و نوشته شود یک نفر هم از طرف اطاق بازرگانی یا انجمن پزشکان با انتخاب فرماندار یا بخش دار طبق آئین نامه مخصوص. (حیط - اکثریت باکی است؟) این ۳ نفر هستند کافی است. آقای بهبهانی نظر جنابعالی تأمین شد؟

بهبهانی - خیر آقای را رأی بگیرید.

معدل - نظر جنابعالی این بود که در امور کشاورزی هم یک نفر (بهبهانی - دو نفر) تعیین بشود این کمیسیون سه نفر است یک نفر از طرف دارائی است و یک نفر هم از طرف دادگستری است که در حقیقت کاملاً بی طرف است و مورد اعتماد طرفین است و یک نفر هم از طبقات مختلف یعنی از طرف مردم هم یک نفر باید از طبقه‌ای که مؤدی مالیاتی جزو آن طبقه است انتخاب شود. پس نظر جنابعالی اینجا تأمین میشود خاصه اینکه در دنباله مطلب نوشته شده که کلیه اشخاصی که نسبت با اجرای این قانون از مأمورین شاکی باشند میتوانند مراجعه نمایند. یعنی شخصاً حق خواهند داشت برای رسیدگی بشکایات باین کمیسیون مراجعه نمایند. یعنی حق حضور خود مودی را هم ساقط نکرده است و او شخصاً حاضر میشود و

اسنادش را ابراز میکنید و دلایل خودش را ذکر میکنید و یک نفر از صنف خودش آنجا نشسته است و یک نفر هم از طرف دولت و یک نفر هم قاضی و آن قاضی هم کسی است که در کلیه امور رأیش قاطع است بنابراین نمیشود گفت که مورد اطمینان نیست. حالا اگر شما میفرمائید که یک نفر از طرف دادگستری از قضات عالی رتبه باشد بنده قبول میکنم.

وزیر دارائی - این تقریباً مثل حکمیت اینجا قائل شده ایم یک نفر از طرف اداره دارائی یک نفر از طرف صنف مؤدی یعنی فرض بفرمائید اگر بازرگان است از اطاق بازرگانی و اگر طبیب باشد از جامعه اطباء و اگر کشاورز است از کمیته کشاورزی انتخاب میکنیم و آنوقت برای قضاوت و حکم هم یک نفر قاضی دادگستری است. البته قاضی دادگستری را قبول میکنیم ولی عالی رتبه بودنش را نمیتوانیم قبول کنیم برای اینکه قاضی در هر شهرستان هست ولی قاضی عالی رتبه در آنجا نیست و آن قاضی که در شهرستان هست البته کسی است که کلیه دعاوی اشخاص در آن شهرستان مربوط باو است و همان قاضی است که قضاوت میکند.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - نظری که آقای بهبهانی فرمودند در اصلاح این قسمت ضرور است و بنظر بنده با توجهی که آقای وزیر دارائی کردند قضیه حل نمیشود یعنی باید یک نفر از طرف مؤدی باشد و یکی هم مالیه و یک نفر شخص ثالث که بهترین شخص صلاحیتدار همان قاضی عدلیه است. برای اینکه ما وقتی که یک دعوائی داریم برای قطع و فصل کار خودمان رجوع میکنیم به عدلیه و البته در این مورد هم حکم او لازم است. در اینجا هم همین نظر بود که یک نفر قاضی از دادگاه تعیین بشود. البته دیگر عالی رتبه بودنش لازم نیست زیرا فرض بفرمائید در یک شهرستانی هم اگر قاضی باشد رتبه ۴ یا ۵ است ولی البته باید قاضی باشد نه رتبه اداری داشته باشد.

معدل - آقای طوسی ضمیمه بفرمائید که از طرف وزارت دادگستری از قضات و آنجا هم که اضافه فرمودید از طرف

طاق بازرگانی یا انجمن شهرداری یا کمیته کشاورزی بنویسد انتخاب از طبقه ای که مؤدی جزء آن طبقه است (صحیح است)

بعضی از نمایندگان - رأی بگیری آقا.

طوسی - اجازه بفرمائید مطلب را طوری خنثی می گذارند که تکلیف معلوم نمیشود اگر آقایان پیشنهاد دهند گن اقناع شده اند که رأی باصل ماده گرفته شود اگر نه بایستی پیشنهادات قرائت بشود.

امیر تیمور - باید خوانده شود.

یمن اسفندیاری - بنده که پیشنهاد کردم قانع شدم مال بنده را نخوانید.

بهبهانی - بنده هم قانع شدم.

رئیس - پیشنهاد آقای امیر تیمور.

پیشنهاد میکنم در ماده ۱۹ بعد از جمله انجمن شهرداری نوشته شود بکنفر نماینده هم از طرف مؤدی.

رئیس - آقای امیر تیمور.

امیر تیمور - این که بنده نوشتم از طرف مؤدی آخر تنها که بقاضی نمی شود رفت باید يك کسی هم باشد که بتواند از حق خودش دفاع کند و بتواند در کمیسیون توضیح بدهد. تنها شما که نمیتوانید بکار او رسیدگی کنید زیرا این تنها بقاضی رفتن است. باین جهت بنده پیشنهاد کردم که يك نفر هم از طرف مؤدی باشد.

معدل - آقا توجه کنید مؤدی خودش می آید ولی اگر نباشد که هر يك کشاورزی يك نفر را معین کند این هر روز روزی ۷ یا ۸ نفر باید بیایند آنوقت اعضای کمیسیون دیگر نظری ندارند این مثل این است که شما بفرمائید مجلس شورای ملی این است که هر کس نظری دارد بیاید از طرف ملت اینجا اظهار خودش را بکند. ولی اینطور که نمی شود هر دو سال يك نفر را تعیین میکنند که بیاید اینجا حرفهای آنها را بزند. مخصوصاً ذکر شده است که کلیه اشخاصی که نسبت باین قانون شکایتی دارند خودشان حاضر میشوند منتهی حق رأی ندارند. استدعا میکنم موافقت بفرمائید.

امیر تیمور - مینویسد مراجعه یعنی بیاید و برود عمل شما در ولایات نبوده اید که به بینید چه زحمتی برای مردم تولید میشود.

طوسی - پیشنهاد دیگر آقای امیر تیمور است: پیشنهاد میکنم اصلاح ذیل در ماده ۱۹ بعمل آید طرز رسیدگی و اتخاذ رأی بموجب آئین نامه که از طرف وزارت دادگستری باتصویب کمیسیون قوانین دادگستری تنظیم میشود بعمل خواهد آمد.

معدل - این نظر ایشان را هم بنده تأمین کردم زیرا نوشتیم مربوط بآئین نامه ای است که در ماده بعد ذکر میشود **امیر تیمور** - آقای طوسی پس پیشنهاد دیگر بنده را بخوانید.

رئیس - پیشنهاد آقای امیر تیمور.

قسمت اخیر ماده ۱۹ بطریق ذیل اصلاح شود: رأی صادره از طرف کمیسیون نسبت بمؤدی مالیاتی و دولت قطعی بوده مگر اینکه اسناد و مدارك ابرازی جعلی باشد و در این صورت وزارت دارائی و مؤدی حق خواهد داشت که تقاضای تجدید نظر نموده و موضوع را به کمیسیون مربوطه مجدداً احاله و در قسمت جعل و تزویر بمحاکم صالحه مراجعه نمایند ثانیاً وزارت دارائی یا مؤدی مالیاتی از رأی کمیسیون بدیوان دادرسی استیناف نخواهد.

رئیس - آقای امیر تیمور.

امیر تیمور - آقای معدل این را که فرمودید هیچ موردی پیش نمی آید که دولت يك سندی را جعل بکند این دلیل آقا علی الظاهر بسیار خوب است. اما مواردی که ممکن است نمایندگان دولت جعل کنند آن مواردی است که مؤدی اظهارنامه میدهد آقایان کلمه را قلم میبرند و همچنین صورت مجلس که باید نوشته شود در صورت مجلس هم کلمه ای را جعل میکنند و حقی برای او منظور نشده است و حتی تجدید نظر هم برای او قائل نشده اند و این را آقا همه روز می بینیم شما تشریف ببرید بولایات به بینید این مأمورین چه بسر مردم می آورند. اظهارنامه را جعل میکنند

پنجاه تومان را می نویسند پانصد تومان و پانصد هزار تومان را پنجاه هزار تومان می نویسند اگر جعل است برای طرفین هر دو جعل است و اگر نیست برای هیچکدام نیست آقای معدل تمنا میکنم این قسمت را قبول بفرمائید یا جعل را برطرف بکنید یا اگر هست برای طرفین باشد. هزار دفعه اتفاق افتاده است که در اظهارنامه جعل کرده اند.

رئیس - آقای وزیر مالیه پیشنهاد آقای امیر تیمور را شنیدید؟

وزیر دارائی - نه خیر آقا دو مرتبه قرائت شود: (بشرح پیش قرائت شد).

وزیر دارائی - عرض کنم موافقت بفرمائید چون اساساً موضوع همانطور که مذاکره شد بکمیسیون می رود کمیسیون رأی میدهد و البته رأی کمیسیون قاطع است.

آنوقت اظهار میفرمایند که ممکن است جعل بشود خوب در اینصورت وزارت دارائی میتواند تجدید نظر بکند (امیر تیمور بنویسد که مؤدی هم میتواند) در کمیسیون خود طرف هست اگر بنا بشود که این اظهارنامه را جعل بکند آنجا خود طرف در کمیسیون اظهار میکند که اظهار نامه مرا جعل کرده اند و کمیسیون مجبور است رسیدگی کند. این که این حق را گذاشته اند برای وزارت دارائی برای اینست که ممکن است در اظهارنامه یا مدارکی که او اظهار کرده است و گفته است که فلان جنس را خریده ام فلان قیمت بعداً يك اسنادی بدست بیاید که این چیزی را که او گفته است در این دفتر پلمب شده باین قیمت خریده ام خلاف بوده است. این بایستی حق داده شود که دولت بتواند تجدید نظر بخواهد. آقای امیر تیمور توجه بفرمائید خود طرف حاضر است اگر نه دولت که اظهارنامه ای نمیدهد و این البته در کمیسیون رسیدگی خواهد شد و اگر مخالف نظر مؤدی باشد طرف اظهار میکند و مخالفت میکند. اما این از این نقطه نظر است که مدارکی اگر داده باشد و بعد معلوم شود که ساختگی است. مثلاً مدارکی ارائه میدهد که از فلان کارخانه فلان جنس را خریده ام فلان

قیمت بعد معلوم میشود که ساختگی است در اینجا دولت میتواند تجدید نظر بخواهد و بعد هم بهمان کمیسیون مراجعه میشود و بعد هم طرفین میتوانند به دیوان دادرسی استیناف بدهند.

رئیس - آقای امیر تیمور.

امیر تیمور - بنده يك توضیح مختصری میدهم استدعا میکنم آقای وزیر دارائی توجه کنید برای اینکه بطرز عمل مأمورین دارئی ولایات واقف شوید. در ولایات الان شما برای احتیاجات مردم واجناس انحصاری از قبیل قماش و قند و چای کوپن توزیع کرده اید که طبق کوپن بدهند.

الآن حاضر هستم دست شما را بگیرم و ببرم ایشان را در ولایات فلان نقطه که مثلاً دویست هزار نفر جمعیت دارد به بینید که اینجا دویست هزار کوپن توزیع شده است؟ کوپنهای آنها را میگیرند و میبرند به جاهای دیگر و قند يكمن ده تومان را میفرشند منی پنجاه تومان. اگر

میگوئید نیست همین حالا من از چشمم از سرم التزام میدهم و حاضر هستم شما را ببرم نه ۳ ولایت بلکه ۱۰ ولایات میبرم و ثابت میکنم الآن اشخاصی هستند که به روزی ۵۰ هزار تومان ۱۰۰ هزار تومن قانع نیستند و بنده عرض میکنم که يك کسی نیست که برد درمی بکنم ولی دستگاه شما اینطور است جریان کار اینطور است. شما آقا از ولایات

خبر ندارید و نمیدانید که این مأمورین دولت چه کار میکنند اصلاً بهیچوجه من الوجوه هیچ توجه ندارند اگر در سابق يك نوس و يك ربعی در کار بود تمام زایل شده اگر موضوع جعل است که باید طرفین هر دو باشد زیرا همانطور که عرض کردم در اظهارنامه ممکن است جعل بکند پول میخواهند بگیرند و میگویند این پانصد تومان را بده والا این را من عوض میکنم یعنی پانصد تومان را که نوشته شده است پنجاه هزار تومان خواهد کرد. اگر جعل است برای طرفین باید باشد اگر نیست که برای هیچکس نباید باشد. شما باید این حق مردم را در نظر بگیرید که رعایت مال مردم بشود.

وزیر دارائی - عرض کنم که نسبت به کوپن قند و شکر که فرمودند بنده عرض کردم که مأمورین هم هستند که برخلاف وظیفه شان عمل میکنند. اولاً هر نقطه‌ای را که آقا یقین دارند که ممکن است ثابت بشود به بنده بفرمائید بنده مأمور معین میکنم و بازرس میفرستم که رسیدگی کند (طوسی - آقا این غیر ممکن است عملی نیست) این قسمت اول بود. در قسمت رسیدگی عرض کردم در محکمه رسیدگی می شود دولت که بهیچوجه نمی تواند اظهار نامه را جعلی درست بکند این طرف است که میتواند و از طرف دیگر وقتی که در محکمه دید که اظهار نامه برخلاف حقیقت است و جعلی است خودش در آنجا میتواند بگوید که این مخالف اظهار نامه من است دولت که اظهار نامه نمیدهد که درش جعل کرده باشد این از طرف مردم است که اظهار نامه ارائه داده میشود

بعضی از نمایندگان - رای بگیریید به پیشنهاد آقای امیر تیمور

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای امیر تیمور موافقین با این پیشنهاد برخیزند عده کمی برخاستند تصویب نشد

امیر تیمور - آقا ۳۸ نفر است تصویب شده است **رئیس** - اجازه بفرمائید یک دفعه دیگر رای خواهم گرفت.

وزیر پست و تلگراف - بنده امیدوارم با این توضیحی که عرض میکنم آقای امیر تیمور پیشنهادشان را مسترد کنند جعل را برای مؤدی قائل شده‌اند و برای مأمور دولت قائل نشده‌اند و این برای این است که اظهار نامه را مؤدی ترتیب میدهد. حالا شما میفرمائید که این اظهار نامه ممکن است در آن دست برده شود این را عرض میکنم که یک چنین عملی را اگر بکنند وقتی که بکمسیون رجوع شد مدعی که حاضر است وقتی که دید که این اظهار نامه او که دو هزار تومان بوده است کرده‌اند دو هزار و پانصد تومان میگوید که اظهار نامه جعلی است و بکمسیون فوراً اظهار

میکند و اگر در این قسمت کارش درست نشد وزارت دارائی و هم مؤدی هر دو حق دارند که پس از رأی کمیسیون این اظهار را هم بدیوان دادرسی اطلاع بدهند.

امیر تیمور - با اینکه در موقع اعلام رأی آقای وزیر پست و تلگراف نمیشود صحبت کرد و این حق نه برای جنابعالی است و نه برای بنده عرض میکنم که در غیبت من میشود....

انوار - آقا اعلام رأی شده است دیگر نباید حرف زد وسط رأی نمیشود صحبت کرد.

رئیس - عرض کنم وقتی که در یک رأی اختلاف واقع شد دو مرتبه باید رأی گرفته شود وقتی که بنده میگویم آقایان برخیزند باید یک مرتبه بلند شوند.

بعضی از نمایندگان - اگر اشتباه شده است با رفته رأی بگیریید.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - با این قسمت جعل که آقای امیر تیمور هم فرمودند این مسئله جعل بالاخره نتیجه اش رفتن به قسمت جزائی است و بایستی از این قانون حذف کنیم چه مؤدی باشد و چه دولت. در آن ماده بیش بود و این قسمتهای جزائی را که ما از قانون بیرون آوردیم دیگر مورد ندارد جعل در اینجا ذکر بشود.

امیر تیمور - بنده با حذف آن موافقم.

ملک مدنی - این دیگر لزوم ندارد که وسیله‌ای دست مأمورین بدهیم یک اظهار نامه ایست پر میکنند و میدهند بما دیگر جعل موضوع ندارد این را اگر صحیح است قبول بفرمائید.

امیر تیمور - بنده هم موافقم جعل را وقتی که بردارند **رئیس** - پیشنهاد آقای سزاوار

پیشنهاد میکنم قسمت اخیر ماده ۱۹ بطریق زیر اصلاح شود: رأی صادر از کمیسیون برای هر یک از طرفین در دادگاه شهرستان هر حوزه قابل پژوهش خواهد بود.

رئیس - آقای سزاوار

سزاوار - اگر آقایان توجه کنند این قانون مالیات بر درآمد چند جنبه دارد جنبه گرفتن مالیات دارد جریمه دارد و تفاوت دارد و اینها را باید یک قدری بنظر بنده بیشتر دقت و توجه کرد و با این عجله و شتاب که داریم و میخواهیم این را بگذاریم پس فردا ۱۵ میلیون جمعیت ایران سر و کارشان با مأمورین دارائی است و داد و فریاد همه شان در میآید و از چشم ما می‌بینند. در قسمت اخیر این ماده اگر آقای مخبر توجه بفرمائید اینجا نوشته شده است رأی صادره از طرف کمیسیون نسبت به مؤدی و دولت قطعی بوده مگر فلان. این بنظر بنده صحیح نیست زیرا در قانون مجزات عمومی جعل را تعریف کرده است و موارد جعل را هم در هر کجا در مورد دارائی یا در مورد کشاورزی و غیره هر کجا که پیدا شود میتواند دعوی جعل بکند و برود به محکمه. ما اصلاً احتیاجی نداریم که در قانون یک چنین حرفی را بزنیم این در عمل خودش محفوظ است یعنی اگر یک مؤدی یک سندی را جعل بکند در وزارت دارائی میتواند دعوی بکند و بگوید این سند مجهول است و او را میگیرند و میفرستند به محکمه و همچنین دولت هم میتواند در این اسناد جعل بکند این برای هر دو طرف است. بنابراین نوشتن و در این تصریح کردن باینکه مگر اینکه دولت دلالی بدست بیآورد که این سند جعل است این صحیح نیست و لزومی ندارد اما حضورتان عرض کنم توجه نمیکنید آقا گوش بدهید آقا مخبر....

معدل - غیر از این که می‌خواهید جوابتان را عرض کنم؟

سزاوار - خوب شما هوشتان خیلی زیاد است. اما راجع بشکایت که حق شکایت دارد بانه مطابق اصول طرفین باید حق داشته باشند و این موضوع ندارد که ما به کمیسیون این حق را بدهیم که بتواند شکایت بکند ولی این حق را از مؤدی سلب کنیم در صورتیکه این کمیسیونی که تشکیل میشود اکثریتش بانمایندگان دولت است یا اینکه از طرف انجمن شهرداری است و نماینده دادگستری هم البته از مؤسسات

مربوط به دولت است با این همه تفصیلات مانع میتوانیم قائل بشویم که مؤدی حق شکایت نداشته باشد بنظر بنده این ایراداتی که ما داریم خلاصه اش اینها است و با این ترتیب حل میشود که طرفین هر دو حق داشته باشند و بتوانند شکایت کنند و دیگر لزومی هم ندارد که دیوان دادرسی دارائی این کار را بکنند برای اینکه گفته شد طرح در کمیسیون دادگستری که ما تازه میخواهیم دیوان دادرسی را منحل کنیم تازه بیائیم این دیوان دادرسی دارائی را معین کنیم برای اینکه البته این یکی از ادارات وابسته وزارت دارائی است و با این که قضات آن جا یک کسانی هستند که صلاحیتشان مورد قبول بوده است ولی در عین حال شما وزارت دادگستری دارید و محاکم قضائی دارید چطور شما بآن اطمینان ندارید بنابراین تصور میکنم که منظور حاصل است یعنی اگر در هر موردی شما جعلی پیدا کنید میتوانید تعقیب بکنید و احتیاجی ندارد که اینجا این را بگذارید که هم مؤدی میتواند شکایت بکند و هم دولت این بود خلاصه عرایض من.

امیر تیمور - پیشنهاد آقای سزاوار یک مرتبه دیگر خوانده شود.

معدل - اولاً اضافه بفرمائید آن قسمتی را که آقایان میل داشتند موافقت شد که اضافه کنیم که کمیسیون ریاستش با نماینده دادگستری باشد چون نوشته شده است از طرف وزارت دادگستری از قضات انتخاب میشود نوشته شود که ریاستش هم با او باشد. اینجا بنده حیرت دارم که آقایان موضوعی را که طرح میفرمائید بجوابها توجه نمیفرمائید و پافشاری میفرمائید به آن نظری که دارند و اصلاً رأی نسبت به امر مالیاتی قاطع است چون بیشتر نظر آقایان باین بود که این خیلی کجش دارد نباشد و مؤدی را زیاد معطل نکنند و از اینجا بآنجا بکشانند اینجا نوشته شده است که رأی کمیسیون قاطع است یعنی در موضوع مالیات وقتی که این کمیسیون رأی داد دیگر تمام میشود. پس قضیه پژوهش و استیناف و اینها مربوط به امر مالیات نیست که حضرات عالی پیشنهاد فرمودید که بدادگاه شهرستان میروند. با اینکه اینجا نوشته شده است بدیوان دادرسی میروند این مربوط بامر

جمل و تزویر است. توجه بفرمائید اولاً در فرق دادگاه شهرستان با دیوان دادرسی دارائی این فرقی نمیکند. فقط این است که تاوقتی دیوان دادرسی وجود دارد محاکماتی که يك طرف آن دولت است باید يك قسمتی از آن بانجا برود. در اینجا باز نظر جنابعالی ممکن است بانظر آقای امیر تیمور یکی باشد که میفرمائید در قضیه جمل (امیر تیمور کلمه جمل را ول کنید) پس اصلاً استینافی موضوع مالیاتی نخواهد داشت و رأی کمیسیون قاطع است در اینجا توجه بفرمائید فقط موضوع جمل قابل استیناف است والا موضوع مالیاتی مورد استیناف نیست.

طوسی - بنده میخواهم يك تذکره آئین نامه ای بدهم بالاخره شما نمایندگان مجلس هستید و باید يك آئین نامه ای را رعایت کنید. اگر يك موردی را تردید درش میدانید باید دومرتبه رأی بگیرید والا هنوز رأی قطعی به پیشنهاد آقای امیر تیمور گرفته نشده است. مقررات مجلس واحترام مجلس باید حفظ شود. يك رأی گرفته شد تردیدی دارید دومرتبه باید رأی گرفته شود.

بعضی از نمایندگان - دولت قبول میکند.

طوسی - دولت هم قبول کردنش موردی ندارد چون مطابق نظامنامه در وسط رأی نمیشود مذاکره کرد و هر چه آقایان مذاکره کردند بی ربط بوده است.

رئیس - بی ربط نبوده است آقا (خنده نمایندگان)

طوسی - بی مورد بوده است.

وزیر دارائی - عرض کنم در این قسمت چون صحبت شد و مذاکره شد و آقایان نمایندگان میفرمایند که این عبارت نباشد بنده هم قبول میکنم که این عبارت از ماده حذف شود و اینطور میشود: رأی صادره از طرف کمیسیون نسبت بمؤدی مالیاتی قطعی بوده مگر اینکه مؤدی مالیاتی یا وزارت دارائی به دیوان دادرسی استیناف بخواهد.

رئیس - آقای امیر تیمور.

امیر تیمور - بنده با این اصلاحی که کرده اند که مؤدی را هم اضافه کرده اند پیشنهاد خودم را مسترد میدارم.

طوسی - دو پیشنهاد دیگر است مال آقای دهستانی است: پیشنهاد میکنم به آخر ماده ۱۹ اضافه شود: هرگاه مأمورین دولت در تعیین و تشخیص مالیات و همینطور در کلیه اموریکه مربوط باین قانون است اعمال غرض نمایند علاوه بر مجبران زیان مؤدی از خدمت دولت هم منفصل میشوند.

رئیس - آقای دهستانی.

دهستانی - آقای وزیر دارائی توجه کنید عرض میکنم برای مؤدی مالیاتی چندین ماده جرائمی معلوم کرده اند و ما هم موافقت کردیم ولی حق این است که اگر مأمورین شما هم يك غرضهای شخصی داشتند و مردم را اذیت کردند آنها را هم باید مجازات کرد زیرا این درست مثل این است که خواستیم بین مردم و مأمورین خودمان فرقی بگذاریم و اگر قبول بفرمائید مثل اینست که اجازه داده باشیم که مأمورین شما به مؤدی مالیاتی تعدی بکنند. حالا این پیشنهاد را مجدداً بخوانید اگر صحیح است که آقایان موافقت کنند که این در قانون نوشته شود و موجب اذیت مؤدیان مالیاتی نشود.

معدل - آقا این پیشنهاد ایشان را دومرتبه بخوانید. (پیشنهاد آقای دهستانی بشرح پیش دو مرتبه قرائت شد) **ملك مدنی** - در قانون کیفر مجازات هست و این قانونی را که آقای دهستانی پیشنهاد کرده اند که اگر يك مأموری برخلاف حقیقت عمل کرد از خدمت منفصل شود این بنظر بنده ضرورت ندارد.

رئیس - پیشنهاد آقای امیر تیمور.

پیشنهاد میکنم قسمت اخیر ماده ۱۹ بطریق زیر اصلاح شود رأی صادره از طرف کمیسیون نسبت به مؤدی مالیاتی و دولت قطعی است.

رئیس - آقای امیر تیمور.

امیر تیمور - این پیشنهاد بنده همانطور است که آقای وزیر دارائی قبول فرمودند که آن جمله آخرش حذف بشود بنابراین استدعا میکنم از آقای وزیر دارائی که موافقت بفرمایند که رأی کمیسیون قطعی باشد و قضیه همینطور تمام شود.

وزیر کشاورزی - بنده خیال میکنم که این پیشنهاد آقای امیر تیمور بضرر مردم است. مایک محالی برای دادرسی میگذاریم که اگر چنانچه واقعاً يك مأمور دارائی آمد و به يك مؤدی زبان نفهمی يك تعدی کرد او محال داشته باشد که استینافی هم بخواهد این دیگر چه اصراری است که شما دارید؟ **امیر تیمور** - پس بفرمائید که بدادگاه دادرسی برود **اعتبار** - اجازه بفرمائید آقا آنچه قضاتی هستند مردمانی هستند در هر صورت داشتن این مجال برای مردم مقرر است. **امیر تیمور** - پیشنهاد خود را پس گرفتم.

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای دهستانی:

در آخر سطر ۵ ماده ۱۹ اضافه شود در بخشی که اطاق بازرگانی و انجمن شهرداری نباشد بکنفر معتمد محلی بان انتخاب مؤدی مالیاتی انتخاب خواهد شد.

دهستانی - پیشنهاد خود را پس میگیرم.

رئیس - پیشنهاد آقای بهبهانی:

بنده پیشنهاد مینمایم برای تجدید نظر يك ماه مدت تعیین شود. **بهبهانی** - اگر برای تجدید نظر مدت معین نشود برخلاف رویه است و در قوانین سابق هم مدت داشته و اینجا اگر مدت نداشته باشد اسباب زحمت میشود پیشنهاد کردم که يك مدت گذاشته شود (امیر تیمور صحیح است)

معدل - تا یکماه موافقت میشود. آن قسمتی را هم که آقایان میل داشتند تا این حد موافقت میشود: بکنفر از طرف اطاق بازرگانی یا انجمن شهرداری یا کمیسیون کشاورزی یا انجمن پزشکان یا طبقه ای که مؤدی جزو آن طبقه است بان انتخاب مؤدی مالیاتی (امیر تیمور - احسنست صحیح است) **رئیس** - ماده ۱۹ را دوباره بخوانید (نمایندگان) - نمیخواهد بفرمائید با اصلاحات) آقایانیکه موافقت دارند بماده ۱۹ با اصلاحاتی که شده است برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۲۰ قرائت میشود

ماده ۲۰ - پس از انقضای پنجسال از خانمه هر سال مالیاتی هیچگونه مالیاتی که بموجب مقررات این قانون بدرآمد آن سال مالیاتی تعلق میگیرد قابل مطالبه نخواهد بود

معدل (مخبر کمیسیون) - آن ۵ سال را سه سال اصلاح فرمائید (نمایندگان - رأی رأی)

رئیس - آقایان موافقین باماده ۲۰ برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده ۲۱ قرائت میشود

ماده ۲۱ - وزارت دارائی طبق طرحهای پیشنهادی از طرف رئیس کل دارائی کلیه آئین نامه های مربوط با اداره و اجرای این قانون را تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجراء خواهد گذارد **رئیس** - آقای امیر تیمور **امیر تیمور** - بنده همانطوریکه پرروز هم بعرض مجلس رساندم اینک هم معتقدم که کلیه آئین نامه هائیکه برای اجرای این قانون لازم است مصلحت و مقتضی این است که از کمیسیون دارائی مجلس بگذرد و تجربه هم بمانشان داده است که قانون و آئین نامه از شئون مجلس است و مجلس نباید شئون خود و حق خود را بدیگری واگذار کند و در تمام مواردیکه اینطور بوده است ضررهای زیادی برای کشور داشته است مثلاً همین آئین نامه باربری را که موادی در آن آئین نامه گنجانند بکلی مخالف با قانون بود و ایجاد زحمت و خسارت کرد و ضرر برای کشور هم شد بعلاوه نکته اساسی و بسیار مهمی که در این پیشنهاد است این است که این آئین نامه ها از تصویب کمیسیون قوانین و دارائی بگذرد این است که چون بعمر مجلس مدت زیادی باقی نمانده است این شرط دولت را وادار میکنند که افتتاح مجلس آتیه را تسریع بکنند و خود او يك مأمور مسلمی است برای دولت و ما را از نگرانی فترت و تعطیل مشروطیت بی نیاز خواهد کرد (بهبهانی - در این باب پیشنهاد کرده اند) بنابراین پیشنهاد میکنم و امیدوار هستم که واقعاً هم با همین توضیحی که عرض کردم موافقت بفرمائید

رئیس - آقای طوسی

طوسی - در این موضوع دو سه پیشنهاد شده است یکی پیشنهاد آقای بهبهانی است و یکی هم مال بنده و یکی دیگر هم پیشنهاد آقای امیر تیمور بهتر این است که در اطراف آن زیاد صحبت نشود و رأی گرفته بشود **رئیس** - موافقت کردید؟

بیات وزیر دارائی - عرض کنم راجع بقسمت آئین نامه ها همیشه وزارت دارائی این را تنظیم میکردند و هیئت دولت هم آئین نامه را تصویب میکرد و حالا بنظر بنده اگر بخواهیم بکمسیون مراجع کنیم آئین نامه ها زیاد است و شاید انجامش هم بطول انجامد این از نقطه نظر تسریع است ما نخواستیم که وزارت دارائی درست کند و بموقع اجراء بگذارد باید که پیشنهاد کند و هیئت دولت هم تصویب کند بعقیده بنده اگر موافقت بفرمائید که همان تصویب هیئت دولت باشد کافی است و الا اگر باید نظر نظر مجلس باشد ما هم حرفی نداریم **رئیس** - پیشنهاد آقای بهبهانی :

وزارت دارائی آئین نامه های راجع باجرا این قانون را پس از تصویب کمسیون داد گستری و کمسیون دارائی مجلس شورای ملی بموقع اجراء خواهد گذارد

(امیر تیموز - به پیشنهاد آقای بهبهانی رأی بگیریم)
رئیس - يك پیشنهاد دیگر هم از آقای بهبهانی هست که قرائت میشود :

پیشنهاد میشود آئین نامه های در ماده ۲۱ در کمسیونهای قوانین دارائی تصویب شود

بهبهانی - گمان میکنم جهة اینکه بنده این پیشنهاد را کرده ام این است که اغلب می بینم آئین نامه هائی که دولت و وزارتخانه ها و هیئت وزراء تنظیم میکنند اولاً مخالف با متن قانون است و يك زحمانی برای مردم وارد میشود و تا وقتیکه میگوئیم چیست میگویند آئین نامه است ولی در کمسیونهای مجلس البته این ملاحظه میشود در وزارتخانههای دیگر مخصوصاً وزارت مالیه این ملاحظه نمیشود چنانچه يك کارهائی سراغ دارم که نمیخواهم اظهار کنم و وقت آقایان را تصدیع کنم که آئین نامه کاملاً برخلاف قانون بوده و بنده دیدم در همین قانون مالیات بزرگ درآمد و از من خواستند و گفتم که برخلاف قانون است این را تصدیق بکنید که از هر جهة نمیشود مردم را در فشار گذاشت چون نظر قانونی دارد بنده پیشنهاد کردم که کمسیون داد گستری هم دخالت داشته باشد حالا اگر اکثر آقایان موافقت میفرمائید همان

کمسیون دارائی تنها باشد

جمعی از نمایندگان - ما قبول میکنیم که داد گستریش را بردارند (امیر تیموز - به پیشنهاد آقای بهبهانی رأی بگیریم).

معدل (مخبر کمسیون) - آقایان توجه باین نکته داشته باشند که این فرمایشی را که آقایان میفرمائید اساسی است ولی آئین نامه ها قابل تغییر و تبدیل است یعنی همه روز ناچار میشوند که بمقتضیات روز بگونه دیگر آئین نامه درست کنند (بعضی از نمایندگان - کمسیون هست - اصلاح میکنند) یکی هم این است که در فاصله این دو مجلس باید این آئین نامه ها تدوین شود توجه بفرمائید آقایان اصولاً از کلمه آئین نامه نسبت باین موضوع ترسیده اند یعنی با استفاده از قانون ۱۳ اردی بهشت آئین نامه هائیکه راجع بخوار بار و سایر چیزها راجع بامور بازرگانی بوده است تصور نفرمائید که وزارت دارائی هم شاید بیشتر از چیزیکه ممکن است استفاده نکند ولی مطمئن باشید که خارج از متن این قانون که نمیشود چیزی نوشت

(نمایندگان - رأی رأی)

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده عقیده ام این است که این پیشنهاد پیشنهاد مفیدی است قوانین سابق هم آئین نامه اش بتصویب کمسیون قوانین دارائی رسیده است و این مطلبی که آقای مخبر فرمودند که اساس مشروطه تعطیل بردار نیست و قتیکه دوره سیزدهم تمام شد فوراً دوره چهاردهم افتتاح میشود الان هم پنجاه و چند نفر وکیل انتخاب شده اند ده سیزده نفر بیشتر نداریم که انتخاب شوند این بهانه و عذر مفید نیست بنده خواهش میکنم موافقت بفرمائید و الان همه ما هتارای میدهم (امیر تیموز - رأی بگیرند به پیشنهاد آقای بهبهانی)

رئیس - موافقین با پیشنهاد آقای بهبهانی برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

بیات (وزیر دارائی) - در ماده بیستم که بنده بیرون بودم و آقایان رأی داده اند يك اصلاح و ابهام عبارتی بوده است که معنا را نمیرساند و آن این است که پس از خاتمه

سه سال در مدت مقررره مطالبه و تشخیص نشده باشد قابل مطالبه نخواهد بود این را توجه کنید و يك اصلاحی بفرمائید **جمعی از نمایندگان** - دیگر نمی شود آن ماده تصویب شد

رئیس - ماده ۲۲ قرائت میشود :

ماده ۲۲ - این قانون از اول فروردین ۱۳۲۳ اجرا میشود و پس از رفع مشکلات ایجاد شده بواسطه جنگ قابل تجدید نظر خواهد بود

قوانین زیر بجز در مورد مالیاتهای که باید بموجب آن قوانین بابت سالهای قبل از ۱۳۲۳ وصول شود بارت مستثنیات زیر از اول فروردین ۱۳۲۳ ملغی خواهد بود

۱ - مواد دوم و سوم قانون الغاء مالیات ارضی و دواب و برقراری مالیات صدی سه مصوب ۲۴ آذر ماه ۱۳۱۳

۲ - قانون مالیات بر درآمد مصوب ۲۴ آبان ۱۳۱۲ به استثنای مواد مربوط بحق تمبر و چك و سایر برگها و اسناد بازرگانی.

۳ - قوانین اصلاحیه مالیات بر درآمد مصوب ۲۴ آذر ۱۳۱۲ و ۲۸ اسفند ۱۳۱۷

۴ - قانون مالیات مستغلات مصوبه سال ۱۲۹۴

۵ - قوانین مربوط بمالیات عشور مواد جنگلی و عشور مواد معدنی

۶ - قانون مربوط بعوارض قپان داری شهر دارها بجز در مورد درآمد های مذکور در قسمت اخیر ماده ۱۵ این قانون تمام درآمدهائیکه در سال قبل از هر سال مالیاتی عاید مودی شده مأخذ و پایه مالیات آن سال او قرار خواهد گرفت و مالیات روی آن مأخذ تشخیص و وصول خواهد شد منتهی در مورد انواع درآمدهای کشاورزی که هر پنج سال يك مرتبه مالیات هر مؤدی بمأخذ حد وسط درآمدسه سال او تشخیص و در مدت آن پنجسال از همان مأخذ وصول خواهد شد

رئیس - آقای انوار

انوار - آقای معدل توجه بفرمائید این قانون ایجاد شد

بواسطه جنگ یعنی چون جنگ پیش آمد این قانون وضع شد پس وقتیکه جنگ تمام شد باید این قانون از بین برود انعقاد صلح دیگر چیست شاید انعقاد صلح شش ماه طول بکشد بمحض اینکه متار که شد پس از سه ماه باید تمام بشود شاید بین متار که جنگ و انعقاد صلح چندین سال طول بکشد پس این انعقاد صلح را قرار ندهید بلکه پس از سه ماه که اعلان متار که داده شد این قانون باید از بین برود عرض کنم ما بین آلمان و فرانسه الان مدت سه سال است که متار که شده ولی صلحی نکرده اند پس انعقاد صلح را مدرك قرار ندهید بعد از سه ماه که متار که جنگ شد انشاءالله آنوقت باید این قانون از بین برود

رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف (انتظام) - همین مثالی را که خود آقای انوار فرمودند جواب خود آقا را میدهد فرمودند که الان سه سال است که بین آلمان و فرانسه متار که است ولی صلح نیست امروز که جنگ تمام شد دیگر شما احتیاج بچنگ ندارید ولی برای اینکه اوضاع بحال عادی بر گردد صلح باید برقرار شود بین دو دولت متخاصم وقتیکه جنگ متار که شود باید صلح برقرار گردد تا وضعیت بحال عادی بر گردد بنابراین قید صلح لازم است

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنظر بنده در این ماده يك اصلاحی لازم است که آقای معدل و آقای وزیر دارائی توجه فرمائید که جاهم دارد مورد توجه باشد که ان میکنم نسبت باشخصیکه امسال از بابت مالیات مبالغی پرداخته اند يك همچو اصلاحی باید بشود مشروط بر اینکه از درآمدهای مربوط در سال پیش وصول شده و در موارد اهلاک مزدوری مالیات از محصول ۱۳۲۳ اخذ میشود این قسمت دوش آن مطلبی است که بنده عرض کردم (معدل) - این مطالب که فرمودید متن قانون است یا توضیح است (این اصلاحی است که لازم است بشود اشخاصیکه امسال در خرداد ماه يك مالیات پرداخت کرده اند ولی در شال دیگر در خرداد ماه هم باید مالیات بپردازند

این مالیات را از روی چه قسمت باید بردارد از روی درآمد مالیاتش را باید بردارد؟ فرض بفرمائید شخصی چهار صد هزار تومان در آمد داشته است بایستی از درآمدش کسر کند و باقی را جزو درآمد بیاورد و مشمول این قانون بشود این مطلبی است که باید مورد بحث باشد و بایستی جزو هزینه محسوب شود (معدل - مقصود این است که هزینه جزء هزینه باید کسر شود؟) بلی مقصود این است که جزء هزینه محسوب بشود این مذاکره هم شده است و باید توجه بشود زیرا پرداخت مالیاتی سال دیگر بقدری سنگین است که اگر چنانچه این مالیات پرداختی بحساب هزینه شان آورده بود از اصل درآمدشان هم باید یک چیزی کسر شود و در واقع از سرمایه پرداخت مالیات کند و استفاده کند این یک مطلبی است که مورد توجه است (طباطبائی - دو مرتبه که مالیات نمیدهد) فرض بفرمائید یک شرکتی است که در سال ۱۳۲۲ مطابق قانون فعلی یک مالیاتی را پرداخته است و سال آینده مطابق این قانون باید مالیات بدهد این را باید جزء هزینه بیاورد که از آن مالیات سال دیگرش کسر بشود یکی دیگر هم قسمتی بود که در همین مجلس دوسه بار بنده صحبت کرده ام و آن در آمد محصولات کشاورزی است که اینجا نوشته شده است در آمد سه سال اخیر اصل ملاک در آمد محسوب میشود ولی قسمت جنسی باید مطابق تسعیر ۱۳۲۳ باشد که آقای بیات وزیر دارائی توضیح دادند باز بنده تکرار میکنم که یکعده اشخاصی هستند که اینجا نگران هستند که شاید طبق این ماده محظوری برای کشاورزان ایجاد کند (معدل - مقصودتان چیست) این جا نوشته است که ملاک در آمد اشخاص در آمد سه ساله اخیر است یعنی سالهای ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ امسال شما گندم را نسی سیصد تومان تعیین کردید من باید روی حساب بیاورم و صورت بدهم اما سال دیگر که ۱۳۲۳ است شاید دولت گندم را نسی ۱۵۰ تومان قیمت کرد در آمد من یک قسمتی از آن گندم است و باید طبق نرخ ۱۳۲۳ روی آن ۱۵۰ تومان حساب شود و آقای وزیر دارائی هم قبول کرده اند بنده برای

اینکه این قسمت تأمین شده باشد و این قضیه مسلم شود عرض میکنم و آن قسمت اخیر هم که در مواد پیش تأمین شد **وزیر دارائی (بیات)** - قسمت تسعیر جنسی را بر روی بنده توضیح دادم حالا هم توضیحاً عرض میکنم که در خود قانون تصریح است که بایستی مؤدیان مالیاتی عایدات سه ساله خودشانرا اظهارنامه بدهند از حیث نقدی و جنسی و بعد در هر سالیکه بایستی آن مالیات را بردارند در نرخ بهره برداری که وزارت دارائی قیمت اجناس را معلوم خواهد کرد و روی آن قیمتی که معین است قیمت جنس تعیین خواهد شد و از روی آن مالیات خواهد داد قیمت جنسهای سابق هیچ ملاک عمل نخواهد بود و مربوط باین قسمت نیست یعنی این سه ساله که حساب میشود خیلی حساب میشود و قیمت اجناس برای هر سال محسوب میشود بنابراین با توضیحاتی که بنده داده و در ماده تصریح شده است نگرانی دیگری مورد ندارد ولی در قسمت دوم مالیات توجه بفرمائید همانطوریکه اظهار میفرمائید این مالیات را روی یک عواید و یک حسابی هر مؤدی مالیاتی میدهد که در سال ۱۳۲۱ در خرداد ۱۳۲۲ این حساب را داده است که من در تجارتخانه ام یا شیر کنم دو هزار تومان منافع داشته ام هشت هزار تومان خرج داشته ام دو هزار تومان عوائد خالص داشته ام و از آن در هزار تومان مطابق قانون مالیات داده است این در سنه ۱۳۲۱ بوده ولی در سال ۱۳۲۲ صورت ۱۳۲۱ را میدهد آنچه که سهمیه خودش و دولت بوده است داده است این الان همین طوریکه اظهار کردند یک مشکلی است جزء خرجش نیست عایدات سال دیگر است مربوط بسال دیگر است در ۱۳۲۱ فرض کنید ده هزار تومان در آمد داشته است شش هزار تومان خرج و چهار هزار تومان مانده است این مثل یک شرکتی است که یک سهمی را بدولت داده است و سهم خودش باقی مانده این دیگر مربوط نمیشود که سال دیگر باید بحساب دولت بگذارد برای اینکه عایدات آن سال بوده دو شریک بوده اند سهم شریک را گرفته است حالا چه علت دارد سهم شریک دیگر را بیاورد جزو حساب شریک دیگر بگذارد درست دقت بفرمائید این عملی نیست

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - فرض کنیم این مالیات از ۱۳۲۳ اجرا خواهد شد امسال ۱۳۲۲ است مطابق قانون فعلی که مالیات منتهایش ۲۰٪ است گرفته میشود فرض بفرمائید روی مثال صد هزار تومان امسال در آمد داشته مطابق قانون فعلی هفتاد هزار تومان مالیات داده این مال امسال است روی در آمد پارسال مالیات میدهد چون مآخذش را اول سال نمیتواند تعیین کند روی در آمد پارسال میدهد امسال صد هزار تومان عایدات داشته است بیست هزار تومان داده است فرض کنیم که امسال هم صد هزار تومان داشته است و امسال هم روی در آمد پارسال هفتاد هزار تومان باید بدهد و این مبلغ از آن کسر نمیشود چقدر برایش میماند؟ در آمد امسالش که صد هزار تومان فرض کرده هفتاد هزار تومان داده میماند برایش فرض بیست هزار تومان سال دیگر که ۱۳۲۳ است میخواهیم این مالیات را اجرا کنیم این مالیات را روی در آمد امسال اجرا کنیم دو مرتبه صد هزار تومان میگیریم یا هشتاد هزار تومان یا شصت هزار تومان را میگیریم مقصود این است برای اینکه صد هزار تومان را مالیات بدهیم هشتاد هزار تومان داشته ایم پس مالیات باید از در آمد کم شود وقتی بنامش سال بعد هم بدهیم باید کم بشود و خود ما هم در شرکت همه این کار را کردیم وزارت دارائی هم باید این کار را بکنند این واضح است و مورد تردید نیست (طباطبائی - امسال که هنوز مالیات نداده است) آقای طباطبائی هر کسی مالیاتی که داده است مالیات امسال است چون هنوز سال تمام نشده روی مآخذ پارسال تمام شرکتها تمام تجارتخانه ها در خرداد باید اظهارنامه بدهند و مالیات بدهند فرض کنید که صد هزار تومان از سال پیش داشته اند و مطابق نرخ فعلی بیست هزار تومان مالیات آنرا داده اند آن چیزیکه برای شما میماند هشتاد هزار تومان سال بعد که میخواهید مالیات بگیرید روی همین در آمد است پس مالیات روی در آمد سال قبل است اگر غیر از این باشد که باید از سرمایه بدهد

وزیر دارائی (بیات) - اینجا يك اختلافی است که هست سر این موضوع است که مآخذ مالیات هر سالی سال قبل قرار داده شود اینجا وقتیکه این قضیه را درست توجه بفرمائید رفع اشکال آقای دکتر طاهری خواهد شد فرض بفرمائید مالیاتی را که امسال داده ام یعنی در سال ۱۳۲۲ این يك مساعده ایست برای مالیات امسال ولی پایه اش روی سال ۱۳۲۱ است پس عوایدی که در سال ۱۳۲۱ عاید من شده است پایه قرار داده میشود روی آن مالیاتی که بهش تعلق میگیرد بعنوان مساعده امسال است آنوقت همین عمل نسبت بسال دیگر میشود یعنی مالیات امسال را پایه قرار میدهم برای سال دیگر یعنی این مساعده را که من میدهم مساعده ایست برای مالیات امسال روی عایدات سال قبل این پایه وقتیکه مرتب جلو رفت تا هر چند سالی که جلو میرود هر سال يك مالیاتی برای سال دیگر درست میشود این مالیاتی که ما امسال میگیریم روی عایدات سال قبل است توجه بفرمائید مالیاتی را که از بابت پارسال میپردازیم این روی عایداتی است که از پارسال برده ایم روی عایدات امسال ما نیست (توجه میفرمائید آقای) ما پایه را سال قبل قرار میدهم امسال را که مآخذ و پایه اش سال قبل است امسال بطور مساعده يك چیزی میدهم این همینطور تسلسل پیدا میکند و همینطور عایدات سال قبل را مآخذ قرار میدهم و از آن مالیات میگیریم همانطور که اظهار کردید از عایدات پارسال صد هزار تومان خالص عاید شده شصت تا را شما میبرید چهل تا را میدهید بدولت یا چهل تا را شما میبرید شصت تا را میدهید بدولت این حساب بنگلی تصفیه شد تمام شد رفت دیگر بعایدی امسال ارتباط ندارد این را پایه امسال میگیریم و در هر حال شما منافعی که میبرید و بدولت هم میدهید بعد از وضع تمام مخارج يك عایدات خالصی برایتان میماند دولت و آن شخص میبرد مثل شرکتی دیگر که ۵۰ نفر شریک هستند عایدات خالص را معین میکنند و تقسیم میشود اینجا هم دولت مثل یک نفر از شرکاء است این اشکالی ندارد اگر در شرکت باشد عمومی است و اگر

شخصی باشد که فردی است اصلاً عایدات پارسال مربوط
بامسال نخواهد بود (نمایندگان - رأی بگیریید)
رئیس - دو فقره پیشنهاد آقای بهبهانی راجع بماده ۲۲
قرائت میشود:

ماده ۲۲ - این قانون از اول فروردین ۱۳۲۳ اجرا
میشود و پس از یکسال از خاتمه جنگ از درجه اعتبار ساقط
و دولت مجاز است هر گاه لازم داند لایحه قانونی دیگر تهیه
و بمجلس پیشنهاد نماید و الا قوانین سابق مالی که مطابق
این قانون لغو میشود مجدداً برقرار گردد.

پیشنهاد دیگر آقای بهبهانی:

پیشنهاد مینمایم در آخر بند چهار ماده ۲۲ اضافه شود
و عوارض آن.

معال - با قسمت دوم پیشنهادشان موافقت میکنم ولی
باتبدیل عوارض آن به ضمائم آن
رئیس - آقای بهبهانی.

بهبهانی - پس از موافقت آقای مخبر چون این عوارضی
که دارد صدی ۳۰ است و این ضمائم شامل آن ۳۰٪ (صدی
سه) هم میشود عرض کنم مذاکرات بنده راجع باین موضوع
است که قبل از این که این قانون را بیاورند ذکر میکردند
که این قانون مال زمان جنگ است و این ماده هم که اینجا
نوشته شده که دولت برای بعد از جنگ تجدید نظر کند بنده
تصور میکنم که این قانون را اگر برای موقع جنگ تصویب
شده بایستی يك طوری باشد که بعد از جنگ تمام شود و
وضعیت جنگی و فشار لغو بشود این را بنده تصدیق میکنم
که دولت نمیتواند در مالیه بی تکلیف بماند این است که
بنده پیشنهاد کردم که بعد از مدت جنگ این قانون تا يك
سال بحال خودش باقی است بعد از يك سال اگر دولت
لازم دید و فرصت دارد و لازم میدانند که قوانین جدیدی وضع
کند و بیارند به مجلس و البته دولت هم آن قوانین را بموقع
اجرا میگذارد و اگر هم لازم ندانست همان قوانین سابق که
بموجب این قانون الغاء می شود بجای خودش باقی میماند
و آن مالیاتها را از مردم میگیرند بنا بر این این قانون فقط

مال زمان جنگ است و خود قانون هم تصریح کرده است
که این قانون قانون موقع جنگی است برای اینکه اگر
بعد از موقع جنگ بنا بشود تجدید نظر نماید حالا آن
تجدید نظر را بنده اینطور پیشنهاد کردم که تا يك سال
باقی باشد و بعد از یکسال اگر قوانینی لازم باشد دولت
آن قوانین را میآورد و میگذراند و الا همین قوانینی که
فعلاً نسخ شده بجای خودش خواهد آمد.

وزیر دارائی (بیات) - البته این قسمت را تصدیق
میکنید که يك قانون را نمیشود يك مرتبه لغوش کرد بدون
اینکه هیچ قانونی در دست نداشته باشد بنا بر این وقتیکه
خواستیم این قانون را لغو کنیم باید يك قانون دیگری
جایش بیاید بنده اینطور اصلاح کردم برای اینکه نظر
آقایان تأمین باشد ماده اصلاح شده را دو مرتبه میخوانم:
ماده ۲۲ - این قانون از اول فروردین ۱۳۲۳ اجر
میشود و شش ماه پس از انعقاد صلح لایحه تجدید نظر شد
آن باید از طرف دولت به مجلس شورای ملی تقدیم شود
(نمایندگان - بسیار خوب) که تا ششماه بعد از جنگ باز
دولت تجدید نظر میکند و تقدیم مجلس میکند (نمایندگان
صحیح است)

رئیس - آقای بهبهانی فرمایشی دارید؟
بهبهانی - بنده موافقم.

رئیس - پیشنهاد آقای امیر تیمور.
پیشنهاد میکنم این قیامت در ماده ۲۲ اضافه شود که
قانون مالیات اغنام و احشام مصوبه مرداد ۱۳۰۷ شمسی
برطبق این ماده ۲۲ کلیه قوانین مالیاتی که موجود و برقرار
است ملغی میشود.

رئیس - آقای امیر تیمور.
امیر تیمور - عرض کنم یکی از قوانین مالیاتی که
الآن مورد اجرائت قانون اغنام و احشام است که در دوره
ششم از تصویب مجلس گذشته است و چون آن قانون هنوز
بقوت خودش باقی است این است که بنده پیشنهاد کردم که
ملغی بشود اجازه میفرمائید؟ فرینویسد:

ماده واحده - مجلس شورای ملی مالیات اغنام و احشام
مصوبه در ماده هفتم قانون مالیات املاک از بابی مصوبه ۲۰
دیماه ۱۳۰۴ را از تاریخ تصویب این قانون الغاء مینماید
و مالیات مزبور فقط از ایالاتی گرفته میشود که هنوز تخته قاپو
نشده بیلاق و قشلاق مینمایند و اخذ بغایای مالیات مراعی و
مواشی نیز موقوف خواهد بود.

رئیس - آقای مخبر قبول فرمایند.
مخبر - (مخبر کمیسیون) - این فرمایشاتشان صحیح
است ولی بصرف الغای این قانون نمیشود نوشت زیرا این
قانونی که خواندند الغای يك قانونی است و اگر بخواهیم
آن را اضافه کنیم مثل این است که برقرار شده است.

رئیس - آقای امیر تیمور.
امیر تیمور - طبق توضیح آقا تمنا میکنم اصلاح فرمایند
که آن قسمت از مالیات ایالات که در آن قانون برقرار است
ملغی شود.

مخبر - اینطور میشود: ۷ - آن قسمت از قانون الغاء
مالیات اغنام و احشام مصوب ۲۱ مرداد ۱۳۰۷ که مربوط
به ایالات تخت قاپو نشده است.
رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی.

پیشنهاد میکنم ماده ۲۲ بقرار زیر اصلاح شود:
ماده ۲۲ - این قانون از اول فروردین ۱۳۲۳ اجرا می
شود و ششماه پس از خاتمه جنگ قابل تجدید نظر خواهد بود
دهستانی - پیشنهاد خود را پس گرفتم.

رئیس - پیشنهاد آقای طباطبائی.
پیشنهاد میکنم کلمه (قابل) در عبارت اصلاحی (پس
از ۶ ماه از انعقاد صلح قابل تجدید نظر بوده تبدیل شود
به) بیاورد.

طباطبائی - پیشنهاد خود را پس گرفتم.
رئیس - رأی گرفته می شود بماده ۲۲ با اصلاحاتی که
شده است آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند)
تصویب شد.
ماده ۴۳ - کلیه قوانین و مقررات مخالف مواد این قانون
نقض می شود.

مخبر - بجای کلمه نقض میشود باید نوشته شود نسخ
می شود.
رئیس - رأی میگیریم به ماده بیست و سوم آقایان
موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.
ماده الحاقیه - پیشنهاد آقای روحی.

حق ترقی و تنزل بهای کالاهای انحصاری که در سابق
از طرف مجلس بدولت اختیار داده شده و همچنین وضع عوارض
بر در آمد شهرها که حق ایجاد آن بدولت و مجمن های
شهرها واگذار شده از این تاریخ بکلی و یکسره ملغی است
و جز مجلس شورای ملی هیچ مقامی صلاحیت وضع مالیات
و عوارض و ترقی هیچگونه کالا و غیر آنرا ندارد.

وزیر دارائی (بیات) - چوی آقای روحی خودشان
تشریف ندارند و حالا هم موقع گذشته است استدعا میکنم
که باین قانون رأی گرفته شود و البته نسبت باین پیشنهادی
که کرده اند بنده با ایشان مذاکره میکنم و يك تریبی
میدهم (نمایندگان - بسیار خوب صحیح است)

رئیس - ماده الحاقیه پیشنهاد آقای بهبهانی:
هر گاه مأمورین و رؤساء دوائر در اجراء این قانون
یا آئین نامه ها سوء استفاده نموده یا گزارش برخلاف واقع
بدهند مقتری محسوب و مطابق قوانین جاریه محاکمه و مجازات
خواهند شد.

رئیس - آقای بهبهانی.
(نمایندگان - رأی رأی)

(نیکپور - آقایان بگذارید صحبت خودش را بکنند)
بهبهانی - عرض کنم که بنده تقصیری ندارم در این
پیشنهاد بنده والله بالله هیچ غرضی ندارم جز رفاهیت مردم
چون دیده ام که مردم بدست بعضی از مأمورین دولت گرفتار
میشوند و بهیچوجه راه فراری هم ندارند و بعد از اینکه پدر
آن شخص را در آوردند و معلوم شد که برخلاف عمل و رفتار
کرده است راست راست راه میرود و هیچ اشکالی هم برایش
تولید نمی شود ولی آن بیچاره همه گونه زحمت میکشد و خرج
هم میدهد بنده خودم در کمیسیون عدلیه هستم و آنقدر ازین

قوانین بگوشم خورده ولی متأسفانه این قوانین اجرا نمیشود این قوانین روی مقتری است و آن کسی است که يك کسی مدعی بشود و يك چیزی بکسی بچسباند و دعوی کنند و آنوقت میروند به محکمه بنده بهمین جهت پیشنهاد کردم که اگر بکنفر مأمور مالیه برخلاف رفتار کرد و این قانون را دست آویز کرد که اسباب زحمت مردم را فراهم کند و بمردم فشار بیاورد که مطابق قوانین جاریه بهش مجازات بدهند آقایان حق من این بود که بگویم آقایان میل دارند قبول بفرمایند میل دارند قبول نکنند.

معدل (مخبر کمیسیون) - صدی صد فرمایشات آقای بهبهانی صحیح است که هر کس از مأمورین دولت تخلف کرد و واقماً باعث آزار مردم شد باید تنبیه شود ولی قبلاً اینها در قوانین کیفری مأمورین دولت پدش بینی شده است و حتماً آقای بهبهانی آن قانون را در نظر ندارند بنده عرض میکنم که اگر نقصی هم در قوانین هست باید در خود آن قوانین اصلاح کرد مثل اینکه اگر قوانین کیفری درباره مأمورین دولت کافی نیست باید در آن تجدید نظر بکنیم باین جهت بنده تصور میکنم که آقای بهبهانی در این امر خاص در این قانون توجه بفرمایند.

رئیس - آقای بهبهانی.

بهبهانی - من امر خاصی را نگفتم قوانین جاریه را گفتم **وزیر دارائی** - پیشنهاد آقای بهبهانی را یکدفعه دیگر بخوانید (پیشنهاد آقای بهبهانی مجدداً بشرح سابق قرائت شد) عرض کنم که تمام اظهارنامه هائی را که هر مأمور مالیه رسیدگی میکند باید راپرتی هم بدهد و البته اگر راپرت خلاف بدهد مطابق قوانین جاریه مجازات خواهد شد بنا بر این مأمور مالیه جرأت نخواهد کرد که يك راپرت خلاف واقع بدهد.

رئیس - آقای بهبهانی.

بهبهانی - مأمور باید حقیقت بگوید اگر حقیقت گفت مجازات ندارد اگر دروغ گفت مجازات دارد اگر منظور این است که هر چه مأمور مالیه میگوید همان بشود که

جمعی از نمایندگان - رای با ورقه لازم نیست باقیام و قعود رای گرفته شود

انوار - باید با ورقه رای گرفته شود

ملك مدنی - اولاً اعلام رای کردید باید رای گرفته شود ثانیاً این لایحه دوشوروی است و آقای انوار هم میدانند ما توی این مجلس ده دفعه مالیات وضع کرده ایم کی با کارت رای گرفته ایم همیشه باقیام و قعود بوده است

رئیس - آقایان موافقین با مواد این لایحه که ۲۴ تا است بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد
[۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
رئیس - اجازه بفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده روز شنبه ۲۱ آبان سه ساعت و نیم پیش از ظهر دستور هم لایحه بودجه کل کشور.
(مجلس دو ساعت و یک ربع بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

نمیشود (امیر تیمور - این توضیح واضح است مانعی ندارد) نمایندگان - رای بیگیرید.

رئیس - این در قوانین کیفری هم هست بنظر بنده منظور حاصل است معذک میفرمائید رای میگیریم (بهبهانی بنده از دفاعی که آقای وزیر دارائی کردند گمان میکنم رای گرفتن در این باب بهتر است)

معدل - اجازه میخواهم که بنده يك توضیحی عرض کنم شاید قانع بشوید همینطور که فرمودید حالا این اظهار آقای وزیر دارائی و طرح شدن این موضوع اگر تصویب نشود مثل این است که اکثریت مجلس موافق بوده است. باینکه مأمور دولت هر کاری دلش میخواهد بکند اما این توضیحی را که حالا بنده میدهم و آقای وزیر دارائی تصدیق خواهند فرمود رفع این ابهام را خواهد کرد فرمایش آف صحیح است و خیلی هم باید مجازات شوند ولی جایش اینجا نیست توی قوانین کیفری است بنابراین تقاضا دارم آقایان موافقت بفرمایند که همین لایحه تصویب بشود ولی در آنجا بخصوص مینویسیم و يك ماده خاصی در آن قانون کیفری اضافه میکنیم که اگر کسی تخلف کرد سرش را ببرند.

وزیر دارائی - البته همانطور که آقای مخبر اظهار

کردند دولت هم ساعی خواهد بود که مأمورین صحیح العمل در این کار بگمارد (بهبهانی - دولت مأمورین صحیح العمل ندارد) و این قانون هم بخوبی اجرا خواهد شد بنا بر این تصور میکنم که آقای بهبهانی هم موافقت بفرمایند که این پیشنهاد را مسترد بفرمایند در جای دیگر منظور میشود.

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای بهبهانی آقایان موافقین بر خیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

معدل - يك کلمه هم در چاپ غلط شده اصلاح بفرمائید

قسمت ۲ ماده ۲۲ کلمه چک نمک چاپ شده اصلاح بفرمائید

رئیس - مذاکره در کلیات است (مخالفی نیست) آقایانی

که موافقت دارند با مجموع مواد ۲۳ گانه ورقه سفید خواهند

داد (بهبهانی - باید گفت ۲۴ ماده چون این قسمت اخیر هم

بهش اضافه شده است)

قانون

مالیات بر درآمد

ماده ۱۵۵ - هر نوع شرکت و بنکگاه و مؤسسه که بمنظور انتفاع تشکیل شده و یا میشود و هر شخصی اعم از اینکه مقیم ایران یا خارجه باشد از درآمدهای سالیانه تحصیل شده خود در ایران و نسبت بانتهائیکه مقیم ایران میباشد از درآمدهای حاصله در ایران و همچنین از درآمدهائیکه از منابع خارجی بایران میاورند جز در موارد زیر باید مالیات مقرر را بپردازند.

ماده ۲ - اشخاص زیر از پرداخت مالیات موضوع این قانون بخشوده میباشد:

الف - سفرای کبار - وزرای مختار - نمایندگان فوق العاده و سایر نمایندگان سیاسی خارجی که دولت ایران سمت آنها را برسمیت شناخته باشد.

ب - کنسولها و نمایندگان گیمهای کنسولی و وابسته های بازرگانی و کارمندان سفارتخانه ها و کنسولگریهای خارجی نسبت بدرآمدی که از خارج از ایران بدست میآورند مشروط بر اینکه دارای تابعیت دولتی که نمایندگی آنها هستند بوده و دولت ایران آنها را باین سمت شناخته باشد بشرط اینکه دولتهای متبوعه آنان نیز همین معافیت را درمورد نمایندگان دولت ایران بنام معامله متقابل منظور دارند.

ج - کارمندان سفارتخانه ها و کنسولگریهای دولت شاهنشاهی ایران در خارجه مشروط بر اینکه دارای تابعیت دولت خارجی باشند که در آنجا انجام خدمت مینمایند.

د - کلیه کسانی که در آمد نا ویژه سالیانه آنها از مرهای مختلف مجموعاً از دوازده هزار ریال تجاوز نکند.

ه - کلیه اشخاصیکه از دولت ایران یا شهرداریها حقوق بگیر هستند فقط نسبت بان قسمت درآمدهای از اجرت و اجرت و فوق العاده از خزانه دولت یا صندوق شهرداری آنها پرداخت میشود.

و - رعایای املاک اربابی و خالصجات.

ماده ۳ - در آمد ویژه شامل اقلام زیر میباشد:

الف - در آمد نقدی یا جنسی حاصله از حقوق و اجرت و حق الزحمه و فوق العاده و پاداش و بهره معاملات پولی و سود سهام و کارمزد و هر نوع منافع یا سود دیگری که عاید بشود طبق آئین نامه مخصوص.

ب - در آمد غیر ویژه حاصله از هر نوع کسب یا معاملات بانضمام درآمدهای بازرگانی و بانکی و صرافتی و صنعتی و هر نوع عملیات انتفاعی دیگر و همچنین بهره برداری کانهای پس از وضع هزینه هائیکه برای تحصیل این درآمدها لازم میباشد و بموجب آئین نامه مخصوص تعیین میگردد.

ج - نسبت باملاک مزروعی که باجاره واگذار شده میزان در آمد ویژه عبارت خواهد بود از نصف مال الاجاره نقدی و جنسی سالیانه آن که بنقد تسعیر میگردد بموجب قرار اجاره کتبی یا شفاهی.

د - از کلیه در آمد کشاورزی، املاک مزروعی که عاید مالک میگردد برابر نصف سهم مالکانه نقدی و جنسی که قسمت جنسی آن باید تسعیر و تبدیل بنقد شود.

ه - نسبت بمستأجرین املاک مزروعی که در آمد کشاورزی سهم مالکانه را اجاره مینمایند تمام سهم مالکانه محسوب پس از وضع مال الاجاره که بمالک میپردازند نصف از عوائد مستأجر.

و - نسبت بمالکین املاک مزروعی که شخصاً عمل رعیتی ملک را عهده دار بوده و کل محصول را برداشت مینمایند نصف سهم مالکانه نقدی و جنسی تسعیر شده به نقد .

ز - صد پنجاه مال الاجاره حمامها و بخچالها و صد هفتاد و پنج مال الاجاره خانه ها و صد هشتاد سایر مستغلات و اراضی و متعلقات آنها که باجاره رفته و در شهرها و قصبات واقع شده باشد .

تبصره ۵ - درآمدهای حاصله در سال مالیاتی از فروش اموال غیر منقول مشروط بر اینکه فاصله بین خرید و فروز آن بموجب اسناد رسمی از تاریخ اجرای این قانون نسبت بمعاملات قبلی سه سال و نسبت بمعاملات بعد از اجرای این قانون پنج سال تجاوز ننموده باشد .

ماده ۴ - منظور از درآمد کشاورزی مذکور در این قانون هر نوع درآمدی است که از محصول اراضی مزروعی و باغات و جنگلها و اغنام و احشام و قنوت و رود خانه ها و آسیاها و حق الارض مراتع و اراضی مزروعی بدست میآید .

ماده ۵ - مال الاجاره جنسی و سهم مالکانه صاحب ملک و درآمدهای کشاورزی جنسی بنرخ هائی که از طرف وزارت دارائی منتهی تا موقع برداشت هر محصول در هر سال مالیاتی با در نظر گرفتن وضعیت هر محل و شور با انجمن شهرداری یا خیره های محلی تعیین و اعلام میشود باید تسعیر و تبدیل بنقد گردد .

ماده ۶ - درآمدهای غیر ویژه و ویژه که مالیات بآن تعلق میگیرد شامل موارد زیر نخواهد بود :

الف - مال الاجاره و آنقسمت از درآمد املاک خالصه که عاید دولت میگردد .

ب - فوق العاده اعاشه و هزینه سفری که برای انجام خدمت در قبال دریافت حقوق یا اجرت یا حق الزحمه دیگر صورت میگیرد .

ج - حقوق بازنشستگی و یا حقوق پایان خدمت .

د - وجوهی که برای جبران خسارات بیماری و صدمات بدنی خواه با داشتن قرارداد بیمه یا بدون آن عاید میشود سوای آنچه که بصورت حقوق یا اجرت منظم باو پرداخت میگردد .

ه - وجوهی که بعنوان بیمه عمر از طرف شرکتهای بیمه عمر بموجب سند بیمه عمر باشخاص ذینفع تادیه میگردد .

و - اولین در آمد اراضی جدیدالنسق املاک جدیدالاحداث در سال مالیاتی که طی آن اولین محصول بدست میآید و محصول دوسال بعد آن .

ز - مستغلات جدیدالبناء و مستغلانی که بواسطه حادثه از قبیل حریق - زلزله سیل و امثال آن محتاج بتجدید بنا یا تعمیر کلی شوند از روز ختم بنا تا دو سال مشروط بر اینکه ختم بنا کتباً باداره دارائی اظهار شود .

ح - موقوفات آستان قدس رضوی و مسجد گوهرشاد و آستانه حضرت معصومه و آستانه حضرت عبدالعظیم و شاه نعمت الله ولی و شاه چراغ و مدرسه عالی سپهسالار و املاک و مؤسسات شیرمو خورشید سرخ و موقوفاتی که بمصرف امور خیریه و عام المنفعه از قبیل بیمارستان و کود کستان و پرورشگاه یتیمان و آموزشگاه ها و اطعام مساکین و نظایر آن میرسد مشروط بر اینکه دولت یا شهرداری در درآمد و هزینه آن نظارت داشته باشد .

ط - تا میزان ده در صد عایدات هر شخصی که برای مصارف خیریه به بنگالهای خیریه که دولت آنها را شناخته باشد پرداخته شده و از آن مؤسسات قبض رسمی در دست داشته باشد .

تبصره ۱ - معاملات اموال غیر منقولی که قبل از فروردین ۱۳۲۰ خرید شده .

تبصره ۲ - هر گاه در اثر آفت عمومی به بیش از نصف محصول کشاورزی ملکی خسارت وارد شد اظهارنامه تسلیم

و رسیدگی محلی بعمل میآید و بمتناسب خسارت در مالیات تخفیف داده میشود .

ماده ۷ - برای تشخیص میزان هزینه و بهای کلای فروخته شده که باید از درآمد غیر ویژه کسر تا در آمد ویژه تعیین گردد کلیه اجناس و کالاهای موجود در اول سال و کالاهائی که در طی سال بفروش رسیده و آنچه در پایان سال موجود میباشد باید به بهائی که برای شخص مؤدی تمام شده است ارزیابی و بحساب منظور گردد در صورتیکه بهای تمام شده اجناس را از دفاتر و اسناد مالیات دهنده نتوان بدست آورد ارزیابی آن بطریقی که در آئین نامه مخصوص تصریح خواهد گشت بعمل خواهد آمد .

ماده ۸ - درآمدهای ارزی بایستی بنرخ روزیکه تحصیل شده تسعیر و مالیات آن بریال تعیین گردد وزارت دارائی اختیار دارد مالیات مقرر را در موعد پرداخت بریال یا به ارز وصول نماید .

ماده ۹ - در تعیین میزان درآمد مشمول مالیات هر مؤدی چنانچه درآمد او از دوازده هزار ریال در سال متجاوز باشد اقلام زیر از درآمد ویژه او کسر میشود .

الف - مبلغی برابر شش هزار ریال .

ب - در صورتیکه متأهل بوده و باعیال یا شوهر خود زندگانی نماید و یا ایستادگی کند خانواده باشد مبلغ چهار هزار ریال علاوه بر مبلغ فوق .

ج - برای هر يك از فرزندان کمتر از هیجده سال که متکفل زندگانی آنها باشد مبلغ شش هزار ریال اضافه بر مبلغ فوق همچنین در صورتیکه اطفال بیش از هیجده سال داشته باشند تا سن ۲۵ سالگی آنها این معافیت منظور خواهد شد بشرط آن که مشغول تحصیل باشند و برای هر يك از فرزندان که در خرج از ایران بخرج مؤدی مشغول تحصیل باشند دوازده هزار ریال .

د - صدی ده کلیه درآمد حاصله از حقوق و اجرت و مزد و فوق العاده ها

ه - بهره دریافتی از کلیه وجوه پس انداز و سپرده های ثابت در هر يك از بانکها در ایران و بهره حاصله از سهام دولتی ایران که خریداری نموده است .

و - در مدت دوسال از تاریخ اجرای این قانون مبلغی معادل سه برابر بهره دریافتی در سال از وجوه پس انداز و سپرده های ثابت در بانکهای ایران و بهره سهام دولتی ایران که خریداری نموده است مشروط بر اینکه اینگونه وجوه و سپرده های ثابت و سهام را در عرض سال وسیله تضمین برای گرفتن وام قرار نداده باشد .

ز - وجوهی که برای بیمه عمر خود یا بستگانش در عرض سال پرداخت نموده پس از کسر مبلغ وامی که از شرکت بیمه یا بانکها در ظرف سال دریافت و تا آخر سال پرداخت نکرده باشد .

ح - فرع وجوهی که برای تحصیل درآمد کسب و تجارت و یا برای آبادی ملک از بانکها استقرض شده باشد یا استقرضهائی که در دفاتر اسناد رسمی بموجب اسناد ثبتی قبل از اول آبانماه ۱۳۲۲ بعمل آمده است .

ماده ۱۰ - برای تشخیص میزان درآمد سالیانه مشمول مالیات شرکتهای سهامی اقلام زیر را از درآمد ویژه آن کسر میشود .

الف - هیجده درصد سرمایه پرداخته شده .

ب - وجوهی که در عرض سال برای توسعه ساختمان کارخانه و دستگاههای تولیدی و تعمیرات لازم بمصرف رسیده باشد بنحوی که در آئین نامه مخصوص پیش بینی خواهد شد .

ج - وجوهی که در حدود میزان متعارفی بمصرف بهداشت کارگرا و مستخدمین رسیده باشد .

ماده ۱۱ - در مورد تعیین میزان درآمد مشمول مالیات شرکتهای غیرسهامی از قبیل شرکتهای تضامنی و نسبی و غیره مبالغی که بهر يك از شرکاء در حدود میزان متعارفی پرداخته شده باشد در حکم هزینه ضروری شرکت محسوب و از درآمد غیر ویژه برای تشخیص درآمد ویژه کسر میگردد ولی میزان وجوهیکه باین ترتیب بهر يك از شرکاء تأدیه شده است باید جزو درآمد ویژه آن شخص منظور و بحساب درآمد مشمول مالیات او محسوب گردد.

ماده ۱۲ - هر مؤدی مالیاتی از درآمد مشمول مالیات خود بشرخیهای معینه زیر وجوهی را که دین قطعی و مسلم او تشخیص شود باید طبق این قانون بابت مالیات بپردازد.

از درآمد مشمول مالیات حاصله در سال مالیاتی از ۱۰۰۰۰ ریال تجاوز نماید ۲ در صد.

از ۱۰۰۰۱ ریال تا ۳۰۰۰۰ ریال ۳ درصد نسبت بامزاد ۱۰۰۰۰ ریال

از ۳۰۰۰۱ ریال تا ۵۰۰۰۰ ریال ۵ درصد نسبت بامزاد ۳۰۰۰۰

از ۵۰۰۰۱ ریال تا ۶۰۰۰۰ ریال ۷ درصد نسبت بامزاد ۵۰۰۰۰

از ۶۰۰۰۱ ریال تا ۸۰۰۰۰ ریال ۱۲ درصد نسبت بامزاد ۶۰۰۰۰

از ۸۰۰۰۱ ریال تا ۱۰۰۰۰۰ ریال ۱۵ درصد نسبت بامزاد ۸۰۰۰۰

از ۱۰۰۰۰۱ ریال تا ۱۲۰۰۰۰ ریال ۱۷ درصد نسبت بامزاد ۱۰۰۰۰۰

از ۱۲۰۰۰۱ ریال تا ۱۴۰۰۰۰ ریال ۲۱ درصد نسبت بامزاد ۱۲۰۰۰۰

از ۱۴۰۰۰۱ ریال تا ۱۶۰۰۰۰ ریال ۲۶ درصد نسبت بامزاد ۱۴۰۰۰۰

از ۱۶۰۰۰۱ ریال تا ۲۰۰۰۰۰ ریال ۳۰ درصد نسبت بامزاد ۱۶۰۰۰۰

از ۲۰۰۰۰۱ ریال تا ۲۵۰۰۰۰ ریال ۳۷ درصد نسبت بامزاد ۲۰۰۰۰۰

از ۲۵۰۰۰۱ ریال تا ۳۰۰۰۰۰ ریال ۴۲ درصد نسبت بامزاد ۲۵۰۰۰۰

از ۳۰۰۰۰۱ ریال تا ۳۵۰۰۰۰ ریال ۴۷ درصد نسبت بامزاد ۳۰۰۰۰۰

از ۳۵۰۰۰۱ ریال تا ۴۰۰۰۰۰ ریال ۵۰ درصد نسبت بامزاد ۳۵۰۰۰۰

از ۴۰۰۰۰۱ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال ۵۵ درصد نسبت بامزاد ۴۰۰۰۰۰

از ۵۰۰۰۰۱ ریال تا ۶۰۰۰۰۰ ریال ۶۰ درصد نسبت بامزاد ۵۰۰۰۰۰

از ۶۰۰۰۰۱ ریال تا ۷۰۰۰۰۰ ریال ۶۵ درصد نسبت بامزاد ۶۰۰۰۰۰

از ۷۰۰۰۰۱ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال ۷۰ درصد نسبت بامزاد ۷۰۰۰۰۰

از ۱۰۰۰۰۰۱ ریال بیلا صدی هشتاد نسبت بامزاد ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

تبصره ۵ - سال مالیاتی عبارت است از سال شمسی که در آن سال تحصیل درآمد شده باشد مگر در مواردیکه دوره عمل سالانه مؤدی مالیاتی سال شمسی نباشد و در این صورت سال مالیاتی او طبق آئین نامه مخصوص تعیین خواهد شد.

ماده ۲۳ - بجای عوارض قیام شهرداری و مالیات مستغلات مالیات های زیر بوسیله وزارت دارائی وصول و در تحت نظر وزارت کشور درآمد حاصله هر شهرستان بمصرف شهرداری همان شهرستان خواهد رسید.

الف - يك مالیات اضافی به میزان ده درصد مبلغ مالیاتی که بموجب ماده ۱۲ بهر يك از مؤدیان تعلق میگیرد.

ب - درآمد حاصله از مالیات برق.

ج - نیم درصد از مبلغ مالیاتی که بموجب ماده ۱۲ بهر يك از بازرگانان و شرکتهای بازرگانی تعلق میگیرد

برای تأمین بودجه اطاقهای بازرگانی کشور.

ماده ۱۴ - بجز در موردیکه در زیر پیش بینی شده هر مؤدی مالیاتی که طبق ماده اول این قانون مشمول مالیات بوده و جزو مستثنیات ماده دوم نمیشد در هر سال منتها تا موعده مقرر که بموجب آئین نامه تعیین میگردد باید شخصاً و یا بوسیله دیگری اظهارنامه کتبی با درج اقلام درآمد هائیکه در سال پیش بدست آورده است تنظیم و بداراره دارائی محل اقامت و یا بداراره دارائی مرکز شغل و یا کسب خود در ایران تسلیم نماید. مؤدی مالیاتی مکلف است در اظهار نامه ای که تسلیم مینماید میزان کل درآمد غیر ویژه و هزینه هائی که از آن کسر میشود و میزان درآمد ویژه و بخشودگیهای که بموجب این قانون تعیین شده و میزان درآمد مشمول مالیات و مبلغ بدهی مالیاتی خود را صریحاً تعیین و درج نماید. در مورد انواع درآمدهای کشاورزی مؤدیان مکلفند طبق آئین نامه مخصوص هر پنج سال یکمرتبه اظهار نامه کتبی با درج اقلام درآمد متوسطی که در سه سال پیش بدست آورده تنظیم و بمراجعی که در بالا ذکر شده تسلیم نماید اولین موقع تسلیم این گونه اظهارنامه ها اولین سال اجرای این قانون خواهد بود.

ماده ۱۵ - بجز در مورد درآمدهای کشاورزی مؤدیان مالیاتی میتوانند بدهی مالیاتی خود را در موقع تسلیم اظهارنامه که طبق ماده ۱۴ تعیین شده یا در سه قسط متساوی که قسط اول آن ضمن تسلیم اظهارنامه و اقساط دوم و سوم تا تاریخی که بموجب آئین نامه تعیین میگردد تأدیه نمایند. در مورد درآمدهای کشاورزی پرداخت مالیات با قسط و در تاریخهاییکه بموجب آئین نامه مخصوص معین میگردد بعمل خواهد آمد وزارت دارائی نیز حق دارد که از پاره ای از منابع درآمد ها مالیات را (باستثنای منابع کشاورزی) موقع تحویل آن درآمد طبق مقررات آئین نامه مخصوص کسر و وصول نماید وجوهی که باین ترتیب بابت بدهی مالیات مؤدیان وصول میشود بپای حساب مالیاتی آنها محسوب میگردد ولی این عمل مؤدی مالیاتی را معاف از تسلیم اظهارنامه معینه در ماده ۱۴ نمینماید.

در مواردیکه درآمد مؤدی مالیاتی منحصر به حقوق و دستمزد بوده و در مواقع پرداخت آن ها طبق این ماده مالیات کسر و عاید دولت شده باشد وزارت دارائی میتواند اظهارنامه های سنده تری تهیه و باین طبقه از مؤدیان مالیاتی اجازه دهد که آنها را تنظیم و صاحب کار خود تسلیم نمایند تا با توضیحات دیگر که لازم باشد صاحب کار بر گهای نامبرده را بوزارت دارائی تحویل دهد.

ماده ۱۶ - جرائمی که بموجب این قانون بمؤدیان تعلق میگیرد بترتیب زیر خواهد بود:

الف - هر شخصی که طبق ماده ۱۴ مکلف بدادن اظهارنامه باشد و تا موعده مقرر در آئین نامه آنرا تنظیم و تسلیم ننماید برای هر ماه تأخیر باید مبلغ پنجاه ریال جریمه بپردازد و اگر ثابت شود شخصی که مشمول مالیات است و باید اظهارنامه بدهد مشمول معافیت های ماده دوم نبوده و ضمناً باو مالیاتی تعلق نمیگیرد این جریمه از یکصد ریال نسبت باو تجاوز نخواهد نمود ولی در صورتی که ثابت شود مشمول پرداخت مالیات میباشد حداکثر این جریمه از ۵۰۰ ریال یا پنج درصد میزان مالیات بدهی او هر کدام که کمتر است تجاوز نخواهد کرد.

ب - هر قسط مالیاتی که در سر رسید معینه پرداخت نگردد جریمه تأخیر برابر يك در صد مبلغ پرداخته نشده در هر ماه تا موقع پرداخت بان تعلق میگیرد و اگر مؤدی بدهی خود را در مدت ششماه بپردازد کلیه مبالغ مالیاتی بدهی برای آن سال باید در ظرف ده روز تأدیه گردد و اگر پس از ده روز بپردازد نسبت بکل مبلغ بدهی جریمه دیر کردی از قرار يك درصد علاوه بر يك درصد جریمه مذکور برای هر ماه از آن مؤدی وصول خواهد شد.

ج - در صورتیکه بموجب اطلاعات و مدارکی ثابت شود مؤدی مالیاتی اظهار نامه خلاف حقیقت تسلیم نموده و یا اطلاعات خلاف واقع بمنظور ازین بردن حق دولت یا فرار از پرداخت تمام یا قسمتی از مالیات مقرر در این قانون بوزارت دارائی داده باشد جریمه ای معادل دو برابر بدهی مالیاتی مورد اختلاف سال مربوط باو تعلق میگیرد.

ماده ۱۷ - در موقع وصول مالیات و جرائم وصول مطالبات دولت از درآمد و اموال منقول بدهکاران و یا ضامن آنها دولت نسبت بسایر بستانکاران حق تقدم خواهد داشت و این حق پس از انقضای سه سال نسبت به مطالبات هر سند ساقط میشود.

ماده ۱۸ - وزارت دارائی مجاز است برای تعیین و تشخیص میزان قطعی مالیاتی که بموجب این قانون بهر مؤدی تعلق میگردد بکلیه دفاتر و اوراق و اسناد هر مؤدی که برای تعیین میزان درآمد مشمول مالیات است مراجعه و رسیدگی نماید و مؤدی مالیاتی مکلف است وسایل این رسیدگی را فراهم نماید در صورتیکه مؤدی دفاتر و اسناد معتبری ارائه ندهد و یا در موعد مقرر اظهارنامه خود را تهیه و تسلیم ننماید وزارت دارائی بر طبق آئین نامه مربوطه از روی قرائن و امورات مالیات او را تعیین و ابلاغ خواهد نمود.

ماده ۱۹ - برای رسیدگی به شکایات مؤدیان مالیاتی از اجرای مقررات این قانون در هر يك از نقاطیکه ادارات دارائی دائر باشد کمیسیون یا کمیسیونهایی مرکب از سه نفر تشکیل میگردد که یک نفر از طرف رئیس دارائی و یک نفر قضائی از طرف رئیس داد گستری و یک نفر هم از طرف اطاق بازرگانی یا انجمن شهرداری یا کمیته کشاورزی یا انجمن پزشکان یا طبقه ای که مؤدی جزو آن طبقه است بانتخاب مؤدی مالیاتی طبق آئین نامه مخصوص انتخاب میشود ریاست کمیسیون با نماینده داد گستری است.

کلیه اشخاصی که نسبت با اجرای مقررات این قانون از مأمورین دارائی شاکی بوده و یا نسبت به تشخیص و تعیین میزان بدهی مالیاتی خود معترض باشند میتوانند برای رسیدگی بشکایات و رفع اختلاف باین کمیسیون مراجعه نمایند. کمیسیون نامبرده موقع و تاریخ و محل رسیدگی را تعیین و بشاکی ابلاغ خواهد نمود.

طرز رسیدگی و اتخاذ رأی بموجب آئین نامه است.

رأی صادره از طرف کمیسیون نسبت بمؤدی مالیاتی و دولت قطعی بوده مگر اینکه در طرف یکماه وزارت دارائی یا مؤدی مالیاتی از رأی کمیسیون بدیوان دادرسی دارائی استیناف بخواهند.

ماده ۲۰ - پس از انقضای سه سال از خاتمه هر سال مالیاتی هیچگونه مالیاتی که بموجب مقررات این قانون بدرآمد آن سال مالیاتی تعلق میگردد قابل مطالبه نخواهد بود.

ماده ۲۱ - وزارت دارائی آئین نامه های راجع با اجرای این قانون را پس از تصویب کمیسیون قوانین دارائی مجلس شورای ملی بموقع اجرا خواهد گذارد.

ماده ۲۲ - این قانون از اول فروردین ۱۳۲۳ اجرا میشود و ششماه پس از انعقاد صلح لایحه تجدید نظر شده آن باید از طرف دولت بمجلس شورای ملی تقدیم شود.

قوانین زیر بجز در مورد مالیاتهایی که باید بموجب آن قوانین بابت سالهای قبل از ۱۳۲۳ وصول شود با رعایت مستثنیات زیر از اول فروردین ۱۳۲۳ ملغی خواهد بود.

۱ - مواد دوم و سوم قانون الغاء مالیات ارضی و دواب و برقراری مالیات صدی سه مصوب ۲۴ آذرماه ۱۳۱۳.

۲ - قانون مالیات بر درآمد مصوب ۲۴ آبان ۱۳۱۲ باستثنای مواد مربوط بحق نمبر و چک و سایر برکهار اسناد بازرگانی.

۳ - قوانین اصلاحیه مالیات بر درآمد مصوب ۲۴ آذر ۱۳۱۲ و ۲۸ اسفند ۱۳۱۷.

۴ - قانون مالیات مستغلات مصوبه سال ۱۲۹۴ و ضمائم آن.

۵ - قوانین مربوط بمالیات عشور مواد جنگلی و عشور مواد معدنی.

۶ - قانون مربوط بعوارض قبان داری شهرداریها.

۷ - آن قسمت از قانون الغاء مالیات اغنام و احشام مصوب ۲۱ ارداد ۱۳۰۷ که مربوط بایلات تخته قاپو نشده است.

بجز در مورد درآمد های مذکور در قسمت اخیر ماده ۱۵ این قانون تمام درآمد هایی که در سال قبل از هر سال مالیاتی عاید مؤدی شده مأخذ و پایه مالیات آن سال او قرار خواهد گرفت و مالیات روی آن مأخذ تشخیص و وصول خواهد شد منتهی در مورد انواع درآمد های کشاورزی که هر پنج سال یکمرتبه مالیات هر مؤدی بمأخذ حدوسط درآمد سه سال او تشخیص و در مدت آن پنج سال از همان مأخذ وصول خواهد شد.

ماده ۲۳ - کلیه قوانین و مقررات مخالف مواد این قانون نسخ میشود.

ماده ۲۴ - هرگاه مأمورین و رؤسای دوایر در اجراء این قانون یا آئین نامه ها سوء استفاده نموده یا گزارش برخلاف واقع بدهند مقتری محسوب و مطابق قوانین جاریه محاکمه و مجازات خواهند شد.

این قانون که مشتمل بر بیست و چهار ماده است در جلسه نوزدهم آبان ماه یکهزار و سیصد و بیست و دو بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری